

سه تن دیگر از مسئولین و اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تیرباران شدند فدایی خلق محمد امین شیرخانی، فرزند دلاور خلق کرده به شهادت رسید

اوجگیری انقلاب از زندان آزاد شده و بلافاصله مبارزه را در صفوف تشکیلات سازمان در کردستان از سر گرفت. او به پاس شایستگی های انقلابی و سابق مبارزاتی اش از سوی مردم کردستان به عضویت در ترکیب "مثبت نمایندگی خلق کرد" برگزیده شده بود. دستگیری او توسط پاسداران خمینی در بهار سال ۶۱ صورت گرفت.

رفیق سعید عضو قدیمی سازمان ماست که سالهای چندی در فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم می جنگید. با پیروزی انقلاب این فدائی دلیر مرحله تازه مبارزه را در صفوف سازمان در کردستان آغاز کرد. او در سال ۶۰ توسط پاسداران خمینی دستگیر شد و از آن زمان تا کنون زندانی بود.

رفقا شیرخانی، لطف الله زاده و شیرودی همراه با رفقا غبرائی و تابان اعضای رهبری سازمان ما و نیز رفیق بهنجاری، از گروه فدائیان هستند که اخیراً رژیم منحوس خمینی در انتقام گیری از جنبش اوج کیرنده خلق تیرباران کرده است. اما بیگمان رژیم خمینی از این جنایات طرفی نخواهد بست. مبارزه گسترش بیشتری خواهد یافت تا رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی بر انداخته شود.

در موج کشتاری که رژیم نهبکار خمینی بر پا کرده است، سه تن دیگر از فدائیان خلق به جوخه اعدام سپرده شدند. بنابه گزارشات واصله در این موج کشتار رفیق محمد امین شیرخانی (رفیق مینه) کادر برجسته سازمان ما و عضو هیات نمایندگی خلق کرد در مذاکره با دولت در سال ۵۸، رفیق ابراهیم لطف الله زاده (رفیق سعید) کادر بر سابقه سازمان و مبارز پیگیر در راه آمل خلق کرد و رفیق محمد شیرودی مسئول تشکیلات سازمان در شهر مریان کردستان توسط جلادان رژیم جمهوری اسلامی تیرباران گردیدند.

رفقا شیرخانی، لطف الله زاده و شیرودی از جمله کسانی بودند که در صفوف سازمان ما در راه خودمختاری خلق کرد، سالهای درازی پیکار کردند. هر سه آنان از چند سال قبل در سیاهچالهای رژیم جمهوری اسلامی زندانی بودند و تحت ددمنشانه ترین شکنجه های جلادان خمینی تسلیم شده و به آلمان های و ای طبقه کارگر وفادار ماندند.

رفیق مینه، انقلابی بر سابقه ای است که مبارزاتش را در دهه ۵۰ علیه رژیم شاه آغاز کرده بود. او که توسط ساواک دستگیر و زندانی شده بود با

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در صفحه آخر
شهادت فدایی با لبها خسته و در سابقه: محمد رضا شبرائی عضو مشاوره های سیاسی کمیته مرکزی سازمان



مشت نمونه خروار

دروستاهای کشور چه می گذرد؟

خائسانه رژیم است. تقریباً هیچ شماره نشریه "اکثریت" بدون یک یا چند خبر دمقانی با این مضمون نیست. در زیر نیز خبرهایی را از چندین روستای گوشه و کنار کشور درج می کنیم که بر این روند روبه تکمیل دلالت دارند. این خبرها مشتکی هستند نمونه خروار، نمونه هایی هستند از جاعه لریل خیانت های رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی.

مضمون اکثر قریب به اتفاق گزارش های دمقانی چنین است: زمین داران بزرگ با آنگاهای سر نیزه ارکانهای سرکوبگر رژیم باز می گردند. مقاومت دمقانان با گلوله و سر نیزه و زندان پایخ داده می شود. زمین های مصادره شده در جریان انقلاب سیددا در اختیار بهره کشانی قرار می گیرد که انقلاب آنها را گریزانده بود و اکنون تاخت و تازشان در روستاها یکی دیگر از نمادهای ماهیت

در این شماره:

- * نتایج دیدار زانو از دیدگاه میخائیل گارباچف در صفحه ۱۴
- * ۱۶ آذر و به روز مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کنیم! در صفحه ۱۱

شهید
شهری از رضا مقصدی
در صفحه ۲

مصاحبه "اکثریت" با رفیق فرید احمد مزدک دبیر اول سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

جوانان افغان، در بیکار برای تحکیم دستاوردهای انقلاب شکوهمند نور

موقعیت گرانقدر را به قیمت قربانی های بسیار به دست آورده اند. تاکنون هزاران عضو د.ج.ا. به دست ضد انقلاب به خاک و خون کشیده شدند. اما به اعتراف دوست و دشمن، سازمان دموکراتیک جوانان اینک از همیشه نیرومندتر است و در نبرد با اشرار ضد انقلابی و در تلاش برای نوسازی جامعه از هر زمان دیگری مصمم تر است.

به منظور آشنائی با نقش و موقعیت کنونی جوانان افغانستان، از رفیق فرید احمد مزدک دبیر اول سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان تقاضا کردیم به پرسش های ما در این زمینه پاسخ گوید. ایشان در گفتگو با خبرنگار ما به سئوالاتی پیرامون چگونگی تاسیس این سازمان و برنامه

کشور افغانستان با انقلاب شکوهمند نور، جوان شده است. مردم این کشور، تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق، می روند تا تمام قیود کهن بازمانده از قرون و اعصار را بپروند و بزدایند و افغانستانی نوین، افغانستانی آباد و آزاد را پی بریزند.

در بیکار سترگی که مردم افغانستان علیه اشرار، این پاسداران پلیدی ها و پلشتی ها، انجام می دهند، جوانان نقش ستایش انگیزی ایفا می کنند. جوانان پیشرو در سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان متشکل گردیده اند. آنان شور انقلابی را با دانش مبارزاتی و بالاترین خصال میهن دوستانه عین کرده و به نیروئی چنان رزم آور تبدیل شده اند که باندهای ضد انقلابی از آن در وحشت فرو رفته اند. جوانان افغانستان این

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

بایادسعیدسلطانپور

زندگینامه فدائی قهرمان و پیشمرگ دلاور خلق کرد

محمد امین شیرخانی (کاک مینه)

شهید

... نه

این آخرین ستاره روشن نیست
کز ارتفاع پرطپش عشق
بر قلب و بر حماسه مردم -
می تابد
تاروهای سرخ شکفتن را -
بر بارتر کند

... نه

این آخرین ستاره مردم نیست .
شاد آنکه در مدارد رخشان کپکشان
هر قلره ، قلره خوش
خورشید دیرت نیست .
وقتی که در حماسه بیدار مردمش
آنگونه عاشقانه درخشید
خورشید را در بیخ نیامد
نام مبارکش را
با واژه بی زور
بر گونه سپیده دمان بنویسد
خورشید را در بیخ نیامد .
فردا اگر چه راه دراز نیست
اما
اینک که این ستاره شبگیر
خونین و مست می کلرد ، از درد
بر خانه های ویران ،
دلگیر
آوازه های بلندش
رتکین کمان روشن پیر و زینت .

رضانمقصدی ۱۳۶۰

بیکار چه ساخت .
پس از پیروزی انقلاب ، رفیق
میننه از طرف مردم شهر بوکان به
عضویت شورای انقلابی شهر درآمد .
او بعنوان یک فدایی ، یک پیشمرگ
دلاور و یک رزمنده سختی ناپذیر در
سنگر مبارزات خلق کرد ، در سرتاسر
منطقه شهرت بسزایی یافت . آگاهی ،
توانایی و رشادت او باعث شد که به
عنوان عضو کمیته ایالتی کردستان
سازمان ، برگزیده شود . او همه وظایف
معوله را با دقت و احساس مسئولیت
کم نظیری انجام می داد .

رفیق مینه بعد از تشکیل هیات
نماینده گی خلق کرد ، به عضویت این
هیئت برگزیده شد . او در این سمت نیز
شایستگی خود را به اثبات رساند .

رفیق مینه در بهار سال ۶۱
دستگیر گردید . از آن هنگام به بعد ،
بی وقفه زیر شکنجه و فشار قرار داشت .
رژیم می پنداشت که اگر او را بشکند و
به عنوان آلت دست دستگاه تبلیغاتی
خود در آورد ، با توجه به شهرت رفیق
در کردستان ، به موفقیت مهمی دست
یافته است . اما رفیق نشان داد که
دشمن کوردل ، کور خوانده است .

رفیق استوار ماند و به جرم این
استواری ، به جرم فدایی بودن ، به
جرم پیشمرگ خلق کرد بودن و به جرم
عشق عمیقش به سوسیالیسم ، به جوخه
اعدام سپرده شد

یافت و دانست که در این شکل
انقلابی است که او می تواند پیگیرانه
رزم خود علیه ستم طبقاتی و ملی را
پیش ببرد .

مبارزات رفیق در عرصه جنبش
دانشجویی او را بارها با پلیس شاه رو
در رو ساخت . توبیخ شد ، از دانشگاه
اخراج شد و دوباره به زندان افتاد .

دوره زندان برای او بسیار
آموزنده بود . خود را سنجید و برای
نبردهای بیشتر آماده شد . او در زندان
نیز مبارزه خود را چه بصورت
مقاومت فردی در برابر شکنجه گران
سوارک و چه بصورت دمیدن روحیه
مقاومت جمعی ، فعالانه پیش برد . او
در اعتصاب غذای زندان اورمی به در
دوران انقلاب نقش عمده ای را ایفا
کرد . در آن هنگام آوازه مبارزه او در
زندان ، در میان مردم ، خاصه
مشهریان بازنات و سیعی یافت . در

دوره اوج گیری انقلاب ، یکی از
خواستهای مهم مردم بوکان ، آزادی
این فرزند دلاور شهرشان بود . آنان در
تحصن ها و تظاهرات ، شمار می دادند :
"شیرخانی قهرمان ، آزاد باید کرد!"

رفیق محمد امین شیرخانی جزو
آخرین زندانیان رسته از بند شاه بود .
او پس از آزادی از زندان ، بدون
درنگ به سازماندهی هواداران
سازمان در شهر زادگاه خود پرداخت
و آنها را در نبرد علیه رژیم شاه

رفیق محمد امین شیرخانی - که
در نزد رفقای سازمان و خلق کرد به
"میننه" شهرت دارد - ۲۴ سال قبل در شهر
بوکان ، شهر محرومی در خطه محروم
کردستان ، چشم به جهان گشود . او
فرزند رنج و کار بود . پاکه به مدرسه
نهاد ، خانواده اش به سختی خرج
تحصیل وی را فراهم می کردند . او
خیلی زود در بوکان شهرت یافت ؛
متانتش ، افتادگیش ، نشست و
برخاستش با توده های محروم ،
رزمجویش ، آگاهی و موفقیت های
تحصیلیش ، او را محبوب مردم شهر
ساخت . رفیق مینه ، در دوران تحصیل
در دبیرستان با مسائل سیاسی آشنا شد و
طبیعی بود که نخستین چیزی که جلب
توجه او را کند ، ستم ملی بر خلق کرد
باشد . آشنایی با مارکسیسم - لنینیسم
تا حدی که در آن هنگام مقدور بود ،
درک او را از این ستم ژرفتر ساخت .
این آگاهی و تجربه مستقیم زندگی در
میان زحمتکشان او را به سوی مبارزه
باز رژیم پلید شاه ، سوق داد .

رفیق مینه ، وقتی که بعد از
اتمام تحصیلات دبیرستانی به
دانشکده کشاورزی اورمی رفت ،
فعالیت های سیاسی خود را گسترش
بخشید . او از برجسته ترین
سازماندهان مبارزات دانشجویی
در این دانشکده بود . او در این مرحله
از مبارزات خود با سازمان آشنایی

خاطراتی از مینه دلاور

یکی از دوستان رفیق محمد امین
شیرخانی (میننه) ، بعد از این که از
اعدام او مطلع شد ، خاطراتی چند از او
را برای نشریه "اکثریت" فرستاد .
درزیر بخشهایی از نامه این رفیق را
از نظراتان می گذرانیم :

"... رفیق محمد امین شیرخانی
را در زمان شاه ، دوبار دستگیر کرده و
به زیر شکنجه بردند . من در سال ۵۷ در
دوره اوج گیری انقلاب موفق شدم به
ملاقات او در زندان اورمی بروم .
آن لحظه ای که او را دیدم هیچگاه از
خاطر من محو نمی شود . من برای او از
این سوی میله های زندان تعریف کردم
که مردم چه رزم دلاورانه ای را پیش
می برند ، برای او تعریف کردم که ما
هواداران سازمان ، چگونه در شهرمان
تظاهرات را شروع کردیم ، چگونه مردم
به ما ملحق شدند ، چگونه در خیابان برما

یک انسان واقعی بود ، پولادی
آبدیده ، کمونیستی هوشیار و
فداکار ، مظهری از شهامت و صداقت و
راستگویی و در یک کلام و بدون
تردید انسانی طراز نوین ، انسانی که
رو به آینده دارد .

بگذارید بگویم که در تمام
مدتی که امین در زندان جمهوری
اسلامی بود ، در تمام ایامی که من
به وی فکر می کردم ، هیچ گاه حتی
برای یک لحظه به فکرم خطور نکرد که
امین را در برابر رژیم پلیدی همچون
لاجوردی و ارباب خونخوارش
خینی ، سرافکننده ببینم . امین از آغاز
مبارزه ، قاطعانه شی و منش مبارزاتی
خود را برگزیده بود . او دلاورانه
زیست و سربلند در برابر جوخه اعدا
ایستاد .

یاد او جاودانه باد!

یاد همه شهدای سازمان و همه شهدای
خلق ، ابدی باد!

سازمان در شهر ما بود . بازگشت همه ما
هواداران را تقویت کرد . او اولین
کسی بود که سرود انقلابی زیبای "ای
پرچم دار ستمکشان" را با خود به میان
ما آورد و این سرود ، اولین اعلام
رسمی حضور ما به عنوان هواداران
سازمان بود .

امین به آرامی و با پیوستگی کار
می کرد . او با رفقای شهیدمان یوسف
کشی زاده و یعقوب تقدیری ، دفتر
هواداران و پایگاههای سازمان در
بوکان و مناطق اطراف آنرا
ایجاد نمود .

امین یکی از سازماندهان
برجسته نیروهای پیشمرگ سازمان
در کردستان بود . او در سنگر هیات
نماینده گی خلق کرد نیز شایستگی عظیمی
از خود نشان داد .

اکنون دیگر رفیق در میان
مانیست . سازمان ما ، طبقه کارگر خلق
کرد ، کردی را از دست داده است . او

سجود آوردند و این که در میدان
آزادی شهرمان ، چه شوری برپا بود .
ناگهان متوجه شدم که اشک در چشمهای
امین حلقه زده است . می خواستم
که دیگر تعریف نکنم . اما او مشتاقانه
کوش می داد ، در حالی که اشک شوق از
چشمانش سرازیر بود .

رفیق مینه جزو آخرین زندانیان
سیاسی بود که از زندان شاه آزاد شد .
چه شوری بود آن روز که هزاران نفر از
مردم به استقبال او رفتند و وی را
کیلومترها بر دوش تا خانه اش بردند .
میننه کسی نبود که از تشریفات خوش
بباید . اما مردم گوشانش بدهکار نبودند .
آنها خود را رها می دیدند و حس
سپاسگزاری عمیق نسبت به فرزندان
داشتند . همگی شعار میدادیم :
"کاک مینه هات و ه - یا خودا به خیر
بیته و ه" . یعنی امین عزیز ، به پیش
ما خوش آمدی .

امین ، برجسته ترین هوادار

نگاهی به بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی

(بخش آخر)

عملکرد جمهوری اسلامی در بازرگانی خارجی، ضد ملی و ضد مردمی است

دو رزمستان سال ۶۲ با حمله ارتش عراق به نفتکشها و شناورها، جنگی تمام عیار در حوزه آبهای خلیج فارس آغاز شد. از آن زمان تا کنون به ۱۵۶ کشتی در این حوزه حمله شده است. گسترش جنگ به آبهای خلیج از جمله عواملی بود که باعث کشت صادرات نفت جمهوری اسلامی رو به کاهش گذارد. کاهش صادرات نفتی رژیم خمینی در زمانی وقوع می یافت که بیکره اقتصادی رژیم از زخمهای ناشی از کاهش قیمت نفت بر خود می پیچید. ناامنی فزاینده موجود در حوزه آبهای خلیج سبب شد نرخ بیمه کشتیها تا حد سرسام آور ۲۵ درصد افزایش یابد. هزینههای پرسنلی و دیگر هزینههای کشتی رانی نیز برای این مجموعه افزوده می شد. در سایه چنین ترکیبی از مشکلات اقتصادی بود که رونق کوتاه مدت، جای خود را سریعاً به بحران حاد و انهداد.

رژیم خمینی در سالهای ۶۲ و ۶۴، با بحران حاد تحصیل ارز مواجه گردید. کارشناسان ریز و درشت اقتصادی و برنامه ریزان وزارتخانهها و ادارات دولتی گردهم آمدند تا اگر امکان دوا و درمان این زخم مهلک نیست، حداقل بر آن مرهمی نهند. رژیم جنگ افروز خمینی، در برنامههای اسماک و صرفه جوئی، جنگ و سرکوب رامنشنی می سازد. اما رژیم نیازمند واردات لجام گسیخته ای نیز هست. اقتصاد بیمار رژیم، چه در عرصه های تولیدی و صنعتی و چه در عرصه مصرفی و آنهم اساسی ترین کالاهای مورد نیاز کشور، محتاج ارز و محتاج به خارج است. رژیم برای مرهم نهادن به این زخمهای کشنده چند راه می جوید:

۱ - کاهش واردات به منظور اسماک و صرفه جوئی در ارز مصرفی؛
۲ - بازاریابی برای فروش بیشتر نفت و تجدید نظر در مناسبات بازرگانی خارجی؛
۳ - دست یازیدن به قراردادهای ویژه اقتصادی؛
به جنبه های مختلف این سه فاکتور که هم اینک در اقتصاد کشور نقش ایفا میکنند، نظری بیافکنیم:

کاهش واردات

رژیم جمهوری اسلامی به دو شیوه واردات کشور را کاهش داد. اول از طریق محدود کردن انواع کالاهای

وارداتی و دوم از طریق تجدید نظر در میزان ارز سازمانها و وزارتخانه های دولتی. بدیهی است که صرفه جویی شامل حال جنگ و مسائل تابعه آن نمی شد. رژیم خمینی که با مشکلات حاد ارزی مواجه شده بود، بین جنگ افزار و "نان شب"، جنگ افزار را انتخاب کرد. دولت واردات کشور ر جدا از مسائل نظامی و سرکوب، به موارد زیر محدود نمود:

- ۱ - مواد شیمیایی
- ۲ - وسائل الکتریکی
- ۳ - الکترونیک و بیژشکی (محدود)
- ۴ - مواد غذایی (محدودتر از سابق)
- ۵ - محصولات صنایع سبک
- ۶ - لوازم یدکی ماشین آلات و کارخانه ها
- ۷ - فلزات
- ۸ - مواد پلاستیکی
- ۹ - ابزار و ابزار آلات باپوش سخت (سنگین)
- ۱۰ - چوب
- ۱۱ - کاغذ

در عمل، رژیم حتی از تامین ارز لازم برای خرید همین کالاهای محدود نیز عاجز ماند.

کاهش بودجه ارزی

دو ایردولتی

از سال ۵۸ به بعد، روند تخصیص ارز در جمهوری اسلامی چنین بود که پس از تصویب بودجه در مجلس با در نظر گرفتن نیازهای ارگانها و سازمانهای مختلف، ارز حاصله از صدور کالا به خارج (که عمدتاً نفت می باشد)، بین این وزارتخانهها و سازمانها توزیع می شد. ابلاغ بودجه ارزی همواره در نیمه اول اردیبهشت ماه صورت می گرفت و پس از آن اعتبارات خرید و واردات کالا از خارج کشود می شد و روند واردات عملاً آغاز می گشت. اما در سال ۶۲، اوضاع از اساس تغییر نمود. البته در ابتدای این سال، در اردیبهشت ماه، میزان بودجه ارزی تعیین شده تقریباً معادل سال ۶۲ بود. اما بر خلاف سالیان قبل این بار نه رسماً، بلکه شفاهاً بودجه ارزی وزارتخانهها و ارگانهای تابعه دولتی را ابلاغ نموده بودند. ۴ ماه به درازا کشید تا برنامه ریزان دولتی بتوانند بهیچرند که واقعیات تازه را باید بحساب

جمهوری اسلامی نفت را بسیار پائین تر از نرخ رسمی اوپک و حتی تا ۲۵ دلار به فروش می رساند. وی گفته بود: "در رابطه با فروش نفت، آقایان محدودیتی از نظر فروش ندارند. و اینجا بحث نکنند که دستمان بسته است. خیلی هم دست آقایان باز است تا ۲۵ الی ۳۰ دلار هر چه خواستند می فروشند و هیچ ممنوعیتی ندارند." (کیهان هوایی ۶۲/۲/۱۵)

حقیقت اینست که جمهوری اسلامی نفت راحتی پائین تر از ۲۵ دلار هم به فروش رسانده است. از اینروست که رژیم تمام قراردادهای نفتی را با شرکتهای چند ملیتی، محرمانه تلقی کرده و از خریداران خواسته است که با قراردادهای نفتی چون امری "فوق محرمانه" عمل کرده و اطلاعات آن را در اختیار دیگران نتوانند. اما بنا به اطلاعات جسته و گریخته موجود که برخاً در نشریات غربی هم بازتاب یافته است، بهای نفت صادراتی جمهوری اسلامی، پائین تر از ۲۰ دلار می باشد.

تجدید نظر در

مناسبات بازرگانی خارجی

وجه مکمل تخفیفهای ویژه نفت و انعقاد قراردادهای فوق محرمانه همانا تجدید نظر در مناسبات بازرگانی خارجی بود. کمیسیون معاملات دو جانبه که از آذرماه ۶۲، مجدداً فعال شده بود تلاش نمود تا فروشندگان و صادر کنندگان کالا به ایران را بر آن دارد تا از جمهوری اسلامی متقابلاً نفت خریداری کنند. این کمیسیون، کمیته های چندی را برای ارزیابی و بررسی چگونگی مناسبات بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی تشکیل داد؛ که از آن جمله به کمیته های معاملات دو جانبه ایران و آلمان فدرال، و ایران و ژاپن میتوان اشاره کرد.

این سیاست به انحصارات وست آلباین اتریش و یونایتد اینترنشنال بلژیک امکان داد تا ضمن خرید نفت ارزان ایران، در زمره صادر کنندگان کالا به ایران قرار گیرند. بنا به گزارش نشریه میدل ایست اکونومیکال دایجست، اتریش که در سال ۸۳، از نظر مناسبات بازرگانی با جمهوری اسلامی در رده پانزدهم بود، در سال ۱۹۸۴، با تخصیص ۸/۵ درصد از کل مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی به خود، در رده چهارم قرار گرفت. کارشناسان بین المللی پیش بینی میکنند که حجم مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی و اتریش در سال بقیه در صفحه ۱۲

آورند. پس از طی این مدت رد که بودجه ارزی وزارتخانهها و سازمانهای دولتی در سال ۶۲ رسماً معادل ۲۰ الی ۶۰ درصد بودجه ارزی سال ۶۲ به این دو اثر دولتی ابلاغ شد. این کاهش فاحش جز این معنایی نداشت که نیازهای مصرفی، تولیدی و صنعتی کشور تنها تا میزان یک سوم تا دو سوم سال قبل تامین خواهد شد.

بازاریابی برای نفت

اصولاً فروش نفت به دو شکل صورت می گیرد. ۱ - قرارداد فروش اسپات (spot)، ۲ - قرارداد فروش ترم (TERM). در قراردادهای اسپات، بدینگونه عمل می شود که در مقاطع زمانی مختلف، برای انواع نفت، به مقدار معینی، مذاکراتی صورت می گیرد و در صورت توافق، بهمان میزان نفت به خریدار تحویل می شود، در حالیکه در قراردادهای نوع ترم، بطور دراز مدت بین خریدار و فروشنده توافق صورت می گیرد و به منظور تامین نیاز خریدار، در طول زمان قرارداد، نفت مذکور بازرگاری و به دفعات صادر می شود تا سقف خرید تامین گردد. به عبارت دیگر قراردادهای ترم عموماً طویل المدت و قراردادهای اسپات کوتاه مدت می باشند. از اینرو دخل و تصرف در قیمت نفت در قراردادهای نوع اسپات، بر مراتب بیشتر از نوع ترم عمل می کند. جمهوری اسلامی در سال ۶۲، عمدتاً بر اساس قراردادهای نوع اسپات، نفت صادر کرده است. در این نوع قرارداد، از پیش قابل پیش بینی نیست که چه مقدار نفت صادر خواهد شد و در مقابل چه مقدار ارز بدست خواهد آمد. رژیم خمینی در ابتدای سال ۶۲، میزان صادرات نفت را به میزان سال ۶۲ یعنی معادل (۲ میلیارد دلار تعیین کرد. اما در واقعیت میزان نفت صادراتی از ۵ الی ۱۶ میلیارد دلار فراتر رفت.

در سال ۶۲ قیمت نفت بار دیگر کاهش یافت و به بشکه ای معادل ۲۸ دلار رسید. رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با کاهش درآمد ناشی از تنزل بهای نفت، راه افزایش هرچه بیشتر صادرات نفتی را برگزید. افزایش صادرات هم جز با تنزل چشمگیر قیمت نفت مقدور نبود. دری نجف آبادی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس علناً اظهار داشت که

مانور بر خلاف دیگر مانورهای رژیم نه در نقاط مرزی کشور بلکه در مراکز استانها و شهرهای بزرگ انجام گرفت. در این مانور، کلیه پایگاههای مقاومت بسیج سپاه پاسداران به حالت آماده‌باش درآمده و تمام نقاط مراکز حساس و محورهای تردد و مراکز ورودی و خروجی شهرها را زیر کنترل گرفتند.

مسئولین دولتی رسماً اعلام نکردند که این مانور جهت کسب آمادگی برای مقابله با حرکات اعتراضی گسترش یافته توده‌ای است. آنها فقط اظهار داشتند که این حرکات در خدمت طرح "دفاع کامل شهری" قرار داشته است.

اخبار کوتاه

* ستاد مشترک ارتش اعلام کرد که نیروی هوایی جمهوری اسلامی به دو مرکز صنعتی و نظامی در منطقه "بندی خان" عراق حمله کردند.

* نیروی دریایی اعلام کرد که یک کشتی حامل کالاکه متعلق به کپانی "بین العربی" بود، به اتهام حمل کالا برای عراق، در فاصله ۴۰۰ کیلومتری تنگه هرمز توقیف شده است.

* تبلیغات رژیم برای گردآوری و بسیج نیرو و اعزام آنان تحت لوای سپاهیان کربلا، به جبهه در هفته گذشته نیز ادامه یافت.

* حجت الاسلام رحمانی، سرپرست بسیج، برنامه‌های هفته بسیج را اعلام کرد. این هفته از روز ۵ الی ۱۱ آذر ماه ادامه خواهد داشت. نکته قابل ذکر در این برنامه اینکه، هر روز این هفته به موضوع خاصی اختصاص یافته است. از قبیل روز بسیج، روز بسیج و رهبری، روز بسیج و امنیت و ...

* سرهنگ سهرابی فرمانده ژاندارمری جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای اظهار داشت، در طی سال جاری معادل ۹۰۰۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر در کشور کشف شده است.

* در روزنامه‌های کشور، آگهی تبلیغاتی شرکتی بنام ایران آمبولانس درج می‌شود. این شرکت در ازای دریافت حق الزحمه کلان بیماران مستاصل را به بیمارستان منتقل می‌سازد. شرکت ایران آمبولانس متعلق به شرکت ایران اتومبیل می‌باشد که خود را اولین طراح و سازنده آمبولانس در ایران معرفی می‌کند. بر زمینه عدم وجود آمبولانس برای انتقال بیماران، در بیمارستان‌های کشور، برای این موسسه انتفاعی سود سرشاری انتظار می‌رود.

* بیمارستان جامی نیز بر اساس گزارش دفتر رسیدگی به اسناد پزشکی ظاهراً به علت پائین بودن سطح خدمات بهداشتی و درمانی از حق پذیرش بیمار محروم شد. پیش از این بیمارستان مجیدی و بیمارستان و زایشگاه مادر نیز با اعلام غللی مشابه تعطیل شده بودند. علاوه بر این موارد بیمارستان روبال را نیز تعطیل کردند. این بار بهانه تعطیل، امتناع بیمارستان از پذیرش بیماران اورژانس عنوان شده بود.

بود که از اول چه کسی می‌خواست رئیس جمهور بشود. اینکه کاندیدائی از اول معلوم است شاید در زمان ما به دیکتاتوری ننگد، اما کم کم این رویه به دیکتاتوری می‌انجامد." نماینده‌ای در اعتراض به مصلحت اندیشی‌های بعضی از روحانیون که جمهوری اسلامی را در شرف سقوط می‌بینند گفت: "آقایان می‌خواهند مثلا در آینده اگر انقلاب شکست خورد دوباره از طاغوتی‌ها وجوهات بگیرند و زندگی‌شان را اداره کنند." نماینده دیگری نیز به نحوی معنی دار دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر را یادآوری کرده و گفت که اگر روال بدین گونه ادامه یابد سبب بنی‌صدر دیگری از راه خواهد رسید، که در راه است، ولی با نامی دیگر."

پاسخ مجلس پسند!

پس از ماجرای صدور حکم جلب برای نبوی وزیر صنایع سنگین که منجر به بازداشت قاضی صادر کننده حکم گردیده بود، پارادیکریکی از نمایندگان مجلس از سوی کمیسیون صنایع مجلس بهزاد نبوی را به مجلس فراخواند تا پیرامون مسائلی توضیح دهد. این مسائل مربوط بود به اعتبارات حمل تجهیزات خریداری شده برای شرکت و اکن پارس و تجهیزات خریداری شده از شرکت آلمانی "لیبهر". نبوی در دفاع از خود گفت: "هم به قوه قضائیه شکایت می‌کنید و هم به مجلس. یک پای مان باید در قوه قضائیه باشد، یک پای مان در مجلس که جواب چنین سئوالهایی را بدهیم." نبوی در ادامه دفاع خود گفت: "این چه کاری است؟ مدیران مملکت خود را چرا بی آبروی می‌کنید؟ می‌خواهید بگوئید اینها زدی کرده‌اند؟! حالا او دزدی کرده است، ... وزیر که اینجا ایستاده است (اشاره به خودش) آیا دزد است؟ اگر من دزد باشم که در سال ۲ میلیارد دلار از من می‌دهید، بیشتر از اینها می‌توانم بخورم."

روزنامه "رسالت" و مسئله جنگ

روزنامه "رسالت" با مدیریت احمد آذری قمی تاکنون چهار پیش شماره خود را منتشر کرده است. این روزنامه، در پیش شماره چهارم خود که در تاریخ ۲۲ آبانماه منتشر شد، مقاله‌ای تحت عنوان "صلح جنگ طلبانه و ضرورت بسیج نیرو" به چاپ رسانده است. رئیس کلی این مقاله عبارت است از:
۱- بستن تنگه هرمز
۲- بیماران مناطق صنعتی و اقتصادی عراق
۳- بسیج هر چه بیشتر نیرو و اعزام آنها به جبهه‌های زمینی به منظور تدارک یک حمله گسترده خونین.

مانور شهری "خندق"

در جریان برگزاری هفته بسیج، روز شنبه ۹ آذر ماه، با عنوان روز بسیج و امنیت، مانور موسوم به مانور شهری خندق از سوی بسیج سپاه پاسداران برگزار گردید. در این مانور بنا به اظهارات مسئول بسیج سپاه پاسداران، حجت الاسلام رحمانی، ۱۵ هزار نفر از نیروهای بسیج شرکت داشتند. آنچه در این مانور از اهمیت برخوردار است اینکه، این

منتظری به عنوان جانشین خمینی

برگزیده شد

در هفته گذشته اعلام گردید که مجلس خبرگان آیت الله حسینعلی منتظری را برای جانشینی خمینی برگزید. این امر که برای نخستین بار توسط باریک، بین امام جمعه قزوین در خطبه‌های نماز جمعه فاش گردید، وسیعاً در رسانه‌های غربی بازتاب یافت. با وجود این مسئولین رژیم جمهوری اسلامی تا چند روز از اظهار نظر پیرامون این امر خودداری ورزیدند. هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس که پس از تأخیری چند روزه در دوشنبه هفته گذشته به تشریح جوانبی از این گزینش مبادرت ورزیده بود، سعی کرد اثر ابدهی و نتیجه "تشخیص مرام" جلوه دهد. وی افزود که در چنین حالتی "مجلس خبرگان دیگر وظیفه‌ای بر عهده ندارد" هاشمی رفسنجانی تأیید کرد که عده‌ای از اعضای مجلس خبرگان تاکنون طرح گزینش منتظری را امضا نکرده‌اند، لذا هنوز قانونی نشده است. با وجود این در رسانه‌های جمهوری اسلامی و در سخنان هاشمی رفسنجانی امر انتخاب منتظری پایان یافته تلقی شده است.

دولت لایحه حدود بخش خصوصی

رأیس گرفت

زنجانی وزیر برنامه و بودجه کابینه موسوی، لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی را پس از دو هفته شور و بحث در مجلس، پس گرفت. زنجانی با اشاره به مباحثات مجلس در باره این لایحه، اظهار کرد که "... همه اینها بیانگر عدم پختگی این لایحه است و دولت نمی‌خواهد چیزی تصویب شود که در اجرا برای بخش خصوصی ایجاد مشکلات بکند و چیزی که باید رویش تکیه کنیم اینست که بخش خصوصی فعالیت بیشتری را در مجموع اقتصاد بازی کند اگر ابهاماتی در این مسئله وجود داشته باشد مسلمان نقش خودش را اتمیت‌اند بازی کند."

در حالیکه حتی به اعتراف نویسندگان روزنامه‌های دولتی در لایحه مذکور برای بخش خصوصی در حیات اقتصادی کشور بیشترین امکانات را تخصیص داده بودند، این لایحه پس گرفته شد تا بگفته وزیر برنامه و بودجه لایحه‌ای به مجلس آورده شود که بر اساس آن "بخش خصوصی فعالیت بیشتری را در مجموع اقتصاد بازی کند."

بازتاب در گریه‌های درون حکومتی

در بحث‌های مجلس

در هفته گذشته بار دیگر در کبیریها و کشمکش‌های درون حکومتی بالا گرفت. نمایندگان مجلس یکدیگر و همچنین مسئولین مملکتی را ضد انقلاب و جیره خوار معرفی کردند. یکی از نمایندگان مجلس در ابراز تلویحی مخالفت با خامنه‌ای به شکست رژیم در انتخابات ریاست جمهوری اشاره کرد و اظهار داشت: "علت عدم شرکت خیلی واضح بود... معلوم

چند خبر از اعتصاب کارگران در واحدهای تولیدی کشور

کارخانه ارج

دستگاههای پرس کارخانه ارج فاقد سیستم ایمنی بودند. این امر جان کارگران را تهدید می‌کرد. کارگران برای نصب سیستم ایمنی بر روی دستگاههای پرس به دفعات به مسئولین کارخانه مراجعه کردند. اما این مراجعات ثمری به بار نیاورده بود. از اینرو چندی قبل کارگران در سالن پرس این کارخانه در اعتراض به این وضعیت دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. اعتصاب کنندگان علاوه بر تقاضای نصب سیستم ایمنی بر روی دستگاههای پرس خواستار عزل سرپرست یکی از سالنهای پرس گردیدند. این سرپرست، عضو انجمن اسلامی و شخصی بغایت کارگرسنج بود. این اعتصاب که شمه اتحاد و یکپارچگی کارگران بود به بار نشست و مدیریت مجبور به عزل این سرپرست گردید. برای نصب سیستم ایمنی در اسرع وقت نیز قول مساعد داده شد. اعتصاب با این پیروزی به پایان رسید، اما چندی بعد مدیریت تصمیم گرفت سرپرست معزول را به کار باز گرداند. اجرای این تصمیم با اعتراض یکپارچه کارگران مواجه گردید. این بار تمامی کارگران کارخانه ارج دست از کار کشیدند. اعتصاب یکپارچه کارگران تمامی سالنهای کارخانه ارج، مدیریت را متوحش ساخت. از اینرو بنا گزید به خواست کارگران تن داده و سرپرست عضو انجمن اسلامی را از کار برکنار ساخت.

شرکت تکنیکال

کارگران شرکت تکنیکال از روز چهارشنبه سیزدهم تا روز شانزدهم شهریورماه دز اعتصاب بسر می‌بردند. این اعتصاب به خاطر تاخیر در پرداخت حقوق مردادماه صورت گرفت. مدیریت این شرکت تا روز سیزدهم شهریورماه از پرداخت حقوق کارگران خودداری ورزیده بود. در جریان این اعتصاب نماینده‌ای از سوی وزارت کار و امور اجتماعی وارد کارخانه شده و به مذاکره با کارگران پرداخت. این نماینده، سیاست وزارت کار را مبنی بر حمایت از کارفرما اعلام داشت که با انزجار کارگران روبرو گردید.

چیت سازی تهران

اخیرا برای بسیاری از کارخانجات کشور به‌خشنامه‌ای فرستاده شد که طبق آن فشارها و تضيیقات تازه‌ای علیه کارگران اعمال می‌گردد. از جمله مفاد به‌خشنامه مزبور، این است که مدیریت حاضر شوند، کارکرانی را که با کمی تاخیر سرکار حاضر شوند، برای تمام روز از کار اخراج نماید. اجرای این به‌خشنامه اعتراضات بسیاری در واحدهای تولیدی کشور برانگیخته است. در چیت‌سازی تهران، مدیریت تنها توانست به مدت سه روز این به‌خشنامه را به اجرا در آورد، زیرا کارگران بطور جمعی به آن اعتراض کرده و لغو آن را خواستار شدند. کارگران قسمت بافندگی این کارخانه به منظور در هم شکستن

مقاومت مدیریت دست به اعتصاب زدند. در پی این اعتصاب و اعتراض اجرای به‌خشنامه فوق در این کارخانه معلق گردید.

کارخانه جامکو

کارگران کارخانه جامکو نیز به این به‌خشنامه شدت اعتراض کرده‌اند. پس از نصب به‌خشنامه ضد کارگری فوق در تابلو اعلانات کارخانه، کارگران با هو کردن مدیریت، اعتراض خود را اظهار کردند.

معدن زغال سنگ زیراب

در معدن زغال سنگ زیراب کارگران در شرایط طاقت فرسایی در اعماق زمین به کار مشغولند. وسایل ایمنی که در تونل‌های این معدن نصب شده است بسیار ناچیز و ابتدائی است. در چنین وضعیتی جان کارگران هر لحظه در معرض تهدید است و هر از چند گاه در این معدن سانحه مرگباری رخ می‌دهد که طی آن کارگری کشته و یا معلول می‌شود. اخیرا نیز یکی از کارگران در اثر سانحه حین کار به قتل رسید. این واقعه برخشم کارگران دامن زد. آنها که از بی‌توجهی قاجعه بار مسئولان به تنگ آمده بودند، دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند. این اعتصاب تا چند روز به درازا کشید.

شیلات کیشهر

در شهریورماه بیش از صد تن از صیادان پیمانی شیلات بندر کیشهر واقع در استان گیلان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب به منظور تغییر برخی از مقررات ضد کارگری شرکت شیلات صورت گرفت. بر اساس مقررات این شرکت خسارات وارده بر تورهای ماهیگیری در حین صید را کارگران باید بپردازند. این در حالی است که آسیب دیدن دامهای ماهیگیری در حین صید گریز ناپذیر است. شرکت شیلات با تحمیل این مقررات هر ماهه از پرداخت بخشی از دستمزد کارگران به این بهانه سرباز می‌زد. اعتصاب ماهیگیران بندر کیشهر چند روز به درازا کشید. مسئولین شیلات اگر چه قول‌هایی مبنی بر توجه به خواست کارگران داده‌اند ولی هنوز به آن عمل نکرده‌اند.

کارخانه رادیاتور ایران

در روز دهم تیرماه کارگران کارخانه رادیاتور ایران از رفتن به کار خودداری کرده و اعلام اعتصاب نمودند. اعتصاب به منظور اعتراض به وضعیت حقوق و ترمیم سطح دستمزدها صورت گرفت. پاسداران سپاه که برای سرکوب کارگران به محل کارخانه آمده بودند، در برابر کارگران متحد کاری از پیش نبرده و محل را ترک گفتند.

اعتصاب رانندگان در باختران و خرم آباد

چندی پیش در شهر خرم آباد، رانندگان مینی‌بوس برای کسب مطالبات خود دست از کار کشیدند. رانندگان اعتصابی در برابر ساختمان شهرداری خرم آباد اجتماع کردند. مسئولین محلی به مقابله خشونت بار با رانندگان پرداختند و هشت تن از آنان را دستگیر و در زندان شهر بانی بازداشت کردند. علاوه بر این مینی‌بوسها را برای کار در اختیار رانندگان بنیاد شهید، کمیته و شهرداری قرار دادند. با وجود این اعتصاب تا چند روز از ادامه یافت و رانندگان پس از گرفتن قول مساعد از مسئولین و آزادی رانندگان زندانی به کار بازگشتند.

* در روز ۲۲ مهرماه رانندگان اتوبوس و مینی‌بوس شهر باختران اعلام اعتصاب کردند. اعتصاب بخاطر کسب برخی مطالبات صنفی صورت گرفت. اعتصاب یکپارچه رانندگان باعث عقب نشینی مسئولین گردید. رانندگان پس از دریافت حقوق خود به کار بازگشتند.

اعتراض دانشجویان درد دانشگاه ملی

اخیرا به دستور وزارت بهداشت مجتمعی پزشکی قدس منحل شد و دانشجویان این مجتمعی به دانشگاه ملی منتقل گردیدند. اما مسئولین دانشگاه ملی حاضر نشدند سطح تحصیلی این دانشجویان را به رسمیت بشناسد. دانشجویان در اعتراض به این وضعیت در برابر در ورودی دانشگاه تحصن کرده و راه ورود و خروج را محدود ساختند. در پی این حرکت اعتراضی مسئولین با آنان به مذاکره پرداختند و شرایط مورد نظر دانشجویان را پذیرفتند.

مدیر هفت تیر کش هنرستان

مدتی پیش، از طرف آموزش و پرورش مدیر هنرستان صنعتی رسالت تهران، واقع در خیابان تخت جمشید سابق را تغییر می‌دهند و به جای وی جوان ۲۱ ساله‌ای که از همکاران سپاه بوده را می‌گمارند. مدیر "سپاهی" با شروع سال تحصیلی اقدام به ایدها و اذیت دانش آموزان می‌کند. او از دانش آموزان می‌خواهد که موی سرشان را کمتر از نمره ۴ کوتاه کنند.

در روز ۱۶ مهر زمانی که همه شاگردان در حیاط مدرسه جمع شده بودند به دستور مدیر جدید موی سر ۹ نفر از دانش آموزان سال‌های پایین را کوتاه می‌کنند. این عمل موجب اعتراض و استهزا دانش آموزان می‌شود. همه شاگردان مدیر جدید را هو کرده و خواستار تغییر وی می‌شوند. فردای آن روز چند مائین کمیته به مدرسه آمده و ضمن تهدید دانش آموزان، دو نفر را آشکارا به تیراندازی تهدید می‌کنند. خود مدیر هم مسلح به مدرسه می‌آید. اقدام متشکل و هماهنگ شاگردان مدیر را وادار به تمکین می‌کند. بعد از اذدهام و اجتماعی که در مقابل درب مدرسه برپا شد مدیر می‌پذیرد که دانش آموزان به دلخواه موی خود را کوتاه کنند.

موج توفنده اعتراض علیه شکنجه و اعدام فدائیان اسیر

فرباد اعتراض نیروهای پیشرو و آزاده کیتی که چونان موجی توفنده سراسر کشورهای جهان را در می‌نوردد سند محکومیت رژیم پلید خمینی در عرصه بین‌المللی است.

هندوستان

* روز پنجم آبان کنفرانس سالانه شورای حزب کمونیست هندوستان برگزار گردید. شرکت کنندگان در کنفرانس بمنظور همبستگی با مردم ایران قطعنامه‌ای در ابراز انزجار از رژیم خمینی به سفارت جمهوری اسلامی در دهلی ارسال نمودند.

در این قطعنامه نسبت به سرنوشت فدائیان، توده‌ای‌ها و سایر میهن پرستان زندانی ابراز تکرانی شده و آمده است: " ما اکیدا خواستار پایان بخشیدن به اعدام در ایران هستیم."

* از سوی فدراسیون ملی زنان هند در تاریخ ۱۸ آبان، بیانیه‌ای

مطلبوعاتی در اعتراض به موج جدید اعدام‌ها در ایران صادر گردید. فدراسیون ملی زنان هند بربریت بیرحمانه رژیم ایران را پیرامون اعدام انقلابیون میهن پرست که در راستای حقوق دموکراتیک و ارتقا شایسته زندگی مردم ایران مبارزه می‌کردند "قویا محکوم کرده است. در بخشی از این بیانیه آمده است: "حکومت خمینی قادر نخواهد بود با توسل به زور و سرکوب خلقهای ایران را خاموش سازد."

* شانزده شخصیت برجسته سیاسی و اجتماعی هندوستان با امضای متن در دفاع از جان رفیق انوشیروان لطفی و دیگر اعضای کمیته مرکزی سازمان ما، تکرانی عمیق خود را از توطئه‌ای که زندگی فدائیان اسیر را تهدید می‌کند، اعلام داشته‌اند.

در میان امضا کنندگان این متن، اسامی شخصیت‌های زیر به چشم می‌خورد:

۱- ای. ام. اس. نامورییاد، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)

۲- سوبیل فاروقی، دبیر کل فدراسیون ملی زنان هندوستان

۳- پرواتی کریشنن، دبیر شورای اتحادیه سراسری کارگران هندوستان

۴- سهراتول چودری، دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست انقلابی هندوستان

۵- سانتوش کار، سردبیر روزنامه برتاب چاپ دهلی
۶- آرونا آسیف علی، رئیس فدراسیون ملی زنان هندوستان
۷- مایلاهیروی، دبیر فدراسیون ملی زنان هندوستان

۸- دکتر بابوکار دیت عضو کمیته مرکزی حزب خلق (جانا تا) هندوستان
* نه تن از نمایندگان مشهور احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای جوانان و دانشجویان هندوستان در کارناتاکا، طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل نوشته‌اند: "اتهامات و احکام صادر شده علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و سایر انقلابیون و میهن پرستان، جعلی و پوچ بوده و چیزی جز نقض کامل حقوق بشر و اهانت مستقیم به انسانیت نیست."

* کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران- پونا، در تاریخ ۱۹ آبان ماه با انتشار بیانیه‌ای تحت عنوان "شیدای محکوم می‌کنیم"، تاجر

می‌کند، هشدار داده است.
* در تاریخ ۲۹ آبان، انجمن وکلای هند طی نامه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در هندوستان، خشم شدید خود را نسبت به "کشتار ددمنشانه رهبران سیاسی بویژه آنانی که بخاطر خدمات مردمی از چهره‌های برجسته اجتماعی و سیاسی ایران به شمار می‌روند." اعلام داشته و می‌افزاید: "اعتراض خود را نسبت به اعدام آقای محمد رضا غبرائی، آقای رضی‌الدین تابان و آقای جهانگیر بهتاجی اعلام می‌داریم. ما خواستار توقف فوری اعدام دیگر رهبران و فعالین سیاسی ایران و آزادی فوری کسانی که بدون محاکمه در بازداشت بسر می‌برند، هستیم."

* روزنامه "پاتریوت" مورخ (۲۲ نوامبر) اول آذر ماه با چاپ خبری تاجر خود را از اعدام رفیق غبرائی اعلام داشته و می‌نویسد: "در موج جدید اعدامها محمد رضا غبرائی مدیر مسئول نشریه کار توسط رژیم



صحنه‌ای از گردهمایی فدائیان خلق در آلمان فدرال به مناسبت گرامیداشت یادشدهای سازمان که گزارش آن در اکثريت شماره ۸۲ درج شده بود.

خمینی اعدام کشته است. کار نشریه سازمان ایران (اکثريت) است که مبارزه سیاسی علیه "اعمال جنایتکارانه" دادگاههای جمهوری اسلامی را به پیش برده است.

* روز ششم آبانماه در شهر پونا نیروهای مترقی از جمله حزب کمونیست هندوستان- پونا، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)-

پونا، دانشجویان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران، دانشجویان سودانی، بحرینی، فلسطینی و همچنین

عمیق خود را از اعدام رهبران قهرمان سازمان که "با پایمردی پولادین زیر شکنجه‌های وحشیانه و مستمر جسمی و روحی ایستادگی کرده، در راه آرمان خلق جان باختند، ابراز نمود.

در بخشی از بیانیه مزبور چنین می‌خوانیم: "ما قویا سیاست ضد میهنی و ضد مردمی مبنی بر ترور و سرکوب رژیم دیکتاتوری حاکم بر ایران را محکوم می‌کنیم."

* روزنامه "برتاب" چاپ دهلی در تاریخ ۲۴ آبان، ضمن چاپ عکس رفیق لطفی، نسبت به خطری که جان این انقلابی سرشناس ایران را تهدید

شخصیتهای ادبی و سیاسی این شهر، در یک تظاهرات اعتراضی رژیم "آپارتاید" را شدیداً محکوم نمودند. سخنران ایرانی این تظاهرات با اشاره به سرکوب و اختناق در ایران بر تشابه شیوه‌های وحشیانه رژیم های آپارتاید و جمهوری اسلامی، انگشت نهاد که مورد تایید حاضرین قرار گرفت.

ایتالیا

در تاریخ ۱۸ آبان طی پیامی به سازمان ما، "همبستگی عمیق" خود را با فدائیان خلق اعلام داشته، اعتراض و انزجار خویش را در مورد تیرباران رهبران در بند سازمان و دیگر میهن پرستان زندانی ایران اعلام داشته است.

در این پیام همچنین نسبت به خطری که جان کادرهای اسیر سازمان را تهدید می‌کند، ابراز تکرانی شده است.

فدراسیون جوانان کمونیست ایتالیا-جنوا (۲۱ آبان ماه) و حزب سوسیالیست ایتالیا-جنوا (۲۵ آبان ماه) نیز هر یک طی پیامهای جداگانه‌ای به سازمان ما، کشتار رهبران و کادرهای برجسته سازمان و دیگر مبارزین انقلابی را که طی اعدامهای اخیر به شهادت رسیده‌اند، قاطعانه محکوم نموده، همبستگی خود را با مبارزان راه آزادی و عدالت اعلام داشته‌اند.

* حزب کمونیست ایتالیا-جنوا در تاریخ ۱۸ آبان و فدراسیون جوانان حزب کمونیست ایتالیا-جنوا در نامه‌های اعتراضی جداگانه‌ای به سفیر جمهوری اسلامی در ایتالیا اقدام جنایتکارانه رژیم خمینی مبنی بر اعدام فدائیان اسیر و سایر رزمندگان آزادیخواه میهن ما را محکوم نموده، خواهان آزادی فدائیان و دیگر وطن دوستان در بند شدند.

حزب کمونیست در نامه اعتراضی خود نوشته است: " برای ما کمونیستها، در راه تحقق آن حقوق انسانی و اجتماعی که تمامی خلقهای جهان خواهان آنند، آزادی و دمکراسی همانا شروط غیر قابل انکاری هستند."

* ۵۴ تن از شخصیت‌های معروف حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایتالیا و نمایندگان نیروهای مترقی خارجی در این کشور با امضای کارت

پستالی در دفاع از جان رفیق لطفی و سایر رزم آوران در بند فدایی، همبستگی خود را با انقلابیون در زنجیر اعلام داشته اند.

* از سوی رئیس شعبه بین المللی اتحادیه کارگری (CGIL) ایتالیا، میشل مانتو، تلگرافی در اعتراض به اعمال شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی ایران خطاب به "رفسنجانی" ارسال گردید.

در این تلگرام درخواست برقراری صلح میان ایران و عراق، احترام به حقوق مدنی و انسانی و پایان دادن به سیاست سرکوب نیروهای ترقیخواه و نیز آزادی رفیق لطفی تاکید شده است.

* چند تن از روسای دانشکده‌ها و موسسات آموزشی شهر باری و نمایندگان انجمن دوستی ایتالیا-شوروی، حزب کمونیست ایتالیا-باری، سندیکای متحده کارگران شهر فوجا و تعداد زیادی از مردم شهر باری با ارسال نامه ای به سفیر جمهوری اسلامی در ایتالیا، جنایات رژیم آدامکش خمینی را محکوم نموده، نوشته اند ما "خواهان صدور اجازه به یک هیئت متشکل از حقوقدانان و پزشکان دمکرات بمنظور دیدار از زندان‌های جمهوری اسلامی هستیم." در همین شهر، یک سازمان دانشجویی نیز ملی نامه ای خطاب به سفیر جمهوری اسلامی در ایتالیا، شکنجه و اعدام فدائیان اسیر را محکوم نموده، انزجار خود را از روشهای ضد انسانی رژیم خمینی ابراز نموده است.

* چهارده حزب، سازمان، سندیکا و انجمن در شهر "پادوا"، برپای قطعنامه ای امضا نهادند که در اعتراض به رژیم ددمنش خمینی بخاطر شکنجه و اعدام فدائیان خلق تنظیم گردیده است.

نیروهای امضا کننده تضییقات سیاسی موجود در ایران را بشدت محکوم نموده، خواهان پایان دادن به صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی کشورمان شده اند.

اسامی برخی از نیروهای امضا کننده این قطعنامه چنین است: حزب کمونیست ایتالیا-پادوا، کمیته مردمی برای صلح-پادوا، سندیکای کارگری، C.I.S.L. پادوا، سازمان مرکزی دانشجویان فلسطینی-پادوا، سانجمن پارتیزانهای ایتالیا-پادوا،

همچنین هفت تن از نمایندگان

برجسته نیروهای مترقی در پادوا، با امضا کارتی که عکس رفیق لطفی بر آن نقش بسته است، خواهان آزادی وی گردیده اند.

کانادا

در تاریخ ۲۴ آبان (۱۵ نوامبر) هواداران سازمان در "موترال"، در مراسمی که بمناسبت دهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان زنان السالوادر (Ampes) تشکیل گردیده بود، شرکت نمودند.

در این مراسم نمایندگان احزاب و سازمان های ترقیخواه و دمکرات شرکت داشتند.

هواداران سازمان ضمن دادن پیامی در همبستگی با مبارزات حق طلبانه مردم السالوادر، به افشاکاری پیرامون وضعیت زندانیان سیاسی ایران پرداختند. پس از آن بیش از صد تن از نمایندگان نیروهای شرکت کننده در مراسم با امضای متنی در اعتراض به اعدام فرزندان به خون خفته خلق رفقا غربایی، تابان و بهتاجی، حمایت خویش را از رزم بهروزی آفرین فدائیان اعلام نمودند.

فرانسه

در روزهای ۱۸ و ۱۹ آبان جشن حزب کمونیست فرانسه در "نانت" بلژیک روال همه ساله در یک سالن بزرگ برگزار گردید.

هزاران نفر از غرفه های کشورهای مختلف در این جشن بازدید کردند.

سوئد

روزنامه "نورسن فلان" در تاریخ ۲۷ آبان (۱۸ نوامبر)، تحت عنوان "اعدامهای جدید در ایران" به چاپ اطلاعاتی در این رابطه عکس از حرکت فدائیان وتوده ای ها در سوئد، جهت اعتراض به اعدام فدائیان خلق رفقا غربایی، تابان و بهتاجی به چاپ رسانده است.

دکتر غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) نویسنده مردمی ایران در هفته گذشته در بیمارستان سن آنتوان پاریس بدوود حیات گفت. در مراسم تشییع جنازه او در روز جمعه ۸ آذر ماه عده بسیاری از ایرانیان مقیم پاریس حضور داشتند و پیکر او را تا گورستان پرلاشز همراهی کردند. در این گورستان که محل تدفین صادق هدایت نیز هست. شرکت کنندگان در مراسم، در زیر باران بررگور ساعدی اجتماع کرده و به سخنرانی دوستان ساعدی گوش فرادادند. در مراسم این روز، سخنانی که از این پیشتر ساعدی بر سر قبر صادق هدایت ایراد کرده بود، از نواری پخش گردید.

درسوگ

پردازنده

"عزاداران بیل"

غلامحسین ساعدی، نمایشنامه نویسی، داستان نویسی و مقاله پرداز برجسته درگذشت. ساعدی که بر اثر اینفلنزا و کشتار دستار بر سر راه مجبور به جلا. وطن گردید یکی از پچهره های درخشان ادبیات معاصر ایران بود. او که سرتاسر عمر خود را صرف مبارزه و رویارویی با رژیم های فاسد خودکامه شاه و خمینی کرد، از زمره کسانی بود که میچنانه نیش قلبشان برای وطن و مردمشان فرو نمی نشیند. ساعدی که کارزار قلمی گسترده ای را علیه رژیم پوسیده شاه از پیش برد. همواره مورد تعقیب، ازار و تهدید بود. آثار نمایشی او که بیشتر برای، گرفتن از سانسور با امضا، مستعار "گوهر مراد" منتشر میشدند مفاسد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن رژیم را تشریح می کرد. نمایشنامه های او چنان بودند که حتی اگر به صحنه هم نمی آمدند، با همان خواندن تنها میشد به اهداف انسانی و انقلابی او دست یافت و در شرایطی که هنر مبتدل و لاق دزبازرتلاش می کرد تا آخرین سترگها، مگر مردمی را متلاشی کند، ساعدی به سهم خویش در حلقه این سترگ کوشید. او می نوشت و می نوشت "عزاداران بیل" "چشم در برابر چشم" "چوب بدستهای ووزیل"، "پنج نمایشنامه"، "دندیل" و...

پس از وقوع انقلاب نیز آثار ساعدی از قدرت و قوت تاثیر گذاری و از اهمیت سیاسی خود محروم نشدند. و او که کماکان به افشا پلیدی ها و نادرستی ها ادامه می داد در چنان وضعیتی قرار گرفت که مجبور به ترک

یحیی آرین پور درگذشت

کرد که حاصل آن رسالات، کتابها و آثار ارزشمندی از جمله کتاب "از صبا تا نیما" می باشد. درگذشت این ادیب ارزشمند را به شیفتگان فرهنگ و ادب پارسی، تسلیت می گوئیم.

یحیی آرین پور، محقق، نویسنده و تاریخنگار معاصر در ۲۴ آبانماه در ۸۶ سالگی درگذشت. آرین پور بیش از نیمی از عمر پر ثمر خود را در راه فرهنگ و ادبیات کشورما صرف

آوازه خوان، دور و تنهایی میرد

زد در بیا

پذیرا: بازگشت پیکر مرده اش

به وطن نیست؟

(سالم. جبران)

وطن شد. جمهوری اسلامی تاب تحمل روشنفکر و نویسنده مردمی را نداشت. کتابخانه ها را غارت می کرد، روشنفکران و نویسندگان و مترجمان را هم پایه های مبارزان دیت به جوخه اعدام می برد. ساعدی، از کشور خارج شد و به رزم فرهنگی خویش ادامه داد. انتشار "جنگ الفبا" را در خارج از کشور، از سر گرفت و توانست با کوشش و زحمت بخشی از نویسندگان و مترجمان را پیرامون این جنت کرد بیاورد. همین سال گذشته بود که ساعدی، با به صحنه آوردن اثر نمایشی خود "اتللو در سرزمین عجایب" تیرهای تازه ای به قلب سیاه ارتجاع حاکم بر ایران پرتاب کرد.

ساعدی، در خارج از کشور در شرایط بد اوارگی، زندگی سختی را می گذراند. حتی تامین امکانات اولیه معاش هم برای او به سختی میسر بود. اما او صحنه مبارزه را ترک نداشت، و سوان آنچه که خود می نوشت و می ناوید، صدائی رسا در دعوت از سایر روشنفکران و نویسندگان برای مقابله فرهنگی با رژیم ارتجاع بود. او معتقد بود "برای برانداختن جمهوری اسلامی، سلاح فرهنگی کاربرد فراوانی دارد، از این اسلحه نباید صرف نظر کرد".

"گوهر مراد" گوهری ارزنده بود که از میان ما رفت. او که به معنای واقعی، یکی از زحمتکش ادبیات انقلابی بود بی کبر و پر تلاش به مبارزه فرهنگی علیه رژیم شاه و رژیم خمینی می پرداخت، صدای ارزشمندی بود که هم اینکه خاموش شده است.

قسمتی از یک گزارش:

... تلاش رژیم برای بسیج ماحوران امنیتی خود بمناسبت فرا رسیدن "هفته جنگ" تاکنون بیسابقه بوده است. کارار مشاهده شد که کشتی‌های دشمن به هر تازه واردی مشکوک می‌شدند او را مورد تجسس و بازجویی قرار می‌دادند. در همین جو ترور و خفقان چندان از رفقا در سلول‌های خراب ترین نقطه تهران یعنی در خیابان مصدق (بین چهارراه مصدق و جمهوری) بیش از ۶۰ شعار درشت در مورد صلح، زندانی سیاسی، پیروز باد مبارزه خلق و... بر روی کیوسک‌های تلغز، ایستگاه‌های اتوبوس، دیوارها و... نوشتند. فردای آنروز واقعا غوغایی پیاپی شده بود. هر کسی پایه محل می‌گذاشت، اولین چیزی که دیدگانش را مجذوب می‌کرد همین شعارها بود. نگاه‌های مردم به شعارها تا حدود زیادی محسوس بود و گاه زیرکوشی با هم نجوا می‌کردند. یکی از کارگران یک کارگاه تولیدی پوشاک می‌گفت: "قدم به قدم شعار نوشته بودند. این فدایی‌ها عجب شهامتی دارند. سرا قیامتی بیا کردند!"

"هماره همینگونه و بازیر توان تریرچم رزم کارگران و رنجبران بدست شما آرش های روزگام، بدست شما که جان در بیگان دشمن سوز انقلاب می‌نهد، از خاکستر مرگ و اندوه، گلزار شاد زندگی را فرا می‌رویانید و بر آوار کاخ ستم، کاخ سروری و دادگری رنجبران را بیامی‌کنید، افراشته و افراشته تر باد! سرود سرخ ماء سرود کوبنده کارگران، دیوارهای سکوت را فرو می‌کوبید و پهنای ایران را فرا می‌گیرید، چرا که ما بیدار زندگی از دیوارهای مرگ می‌گذریم و در ژرفنای نلمت بدر آفتاب می‌کاریم و بسوی پیروزی، بسوی آزادی و بهروزی، بسوی روز نو و جشن نوروزی پیش می‌رویم."

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گوشه‌هایی از فعالانهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور



ساعت ده شب هنگام تعطیلی شیفت ۲ کارگران چیت سازی (واقع در تقاطع بعثت و آرامگاه) توسط یک اکیب پخش تعداد زیادی اعلامیه پخش شد. کارگران بطرف اعلامیه‌ها هجوم بردند. کارگری یک دسته اعلامیه روی زمین افتاده را برداشته و مجدداً پخش کرد. همزمان در جلوی کارخانه چیت ممتاز نیز اعلامیه‌هایی پخش شد.

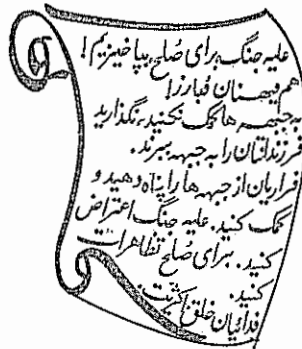
بریده نامه یکی از هواداران از اصفهان:

"درسی ویکم شهریور، در اوج تبلیغات هفته جنگ، صبح خیلی زود پلاکارت بزرگی روی پل هوایی شهید قدیری واقع در خیابان لوله شهر اصفهان نصب شده بود که شعار "علیه جنگ برای صلح بپا خیزیم" با امضای سازمان روی آن نوشته شده بود. در این زمان و از این محل بیشترین سرویس های کارگری در رفت و آمدند. این پلاکارت نیمساعت در امتزاز بود."

قسمتهایی از یک گزارش تبلیغی

فدائیان خلق در کارخانه... (نام کارخانه به دلایل امنیتی ذکر نمی‌شود) فعالیت‌های تبلیغی ما در واحد به نحو چشمگیری ادامه دارد. تراکتهای ضد جنگ در تمام قسمتها پخش شده است. و شعارهای ضد جنگ در قسمتهای مختلف در مقابل دید کارگران قرار دارد. در دو نوبت تراکت از بالای یکی از ساختمانهای واحد در محل رفت و آمد کارگران ما بین تغییر شیفت پخش شد که همه آنها توسط کارگران برداشته شد. تمام قسمتها از تراکتهای ضد جنگ پر شده است. این مسئله انجمن اسلامی را خشکین کرده و بارها خواسته اند ما را به دام اندازند اما موفق نبوده‌اند. در قسمت... شعار دو متری ضد جنگ با امضای فدائیان اکثریت در بالای دستشویی کارگران نوشته شده است که تاکنون دو ماه است بز سر جایش باقی مانده است"

تراکته زیر توسط یک واحد از فدائیان در تهران به تعداد زیاد تکثیر و پخش شد.



یکی از هواداران سازمان که شامد یک مورد پخش اعلامیه بوده است در یک نامه خانوادگی نوشته است:

"در چهارراه چیت سازی ساعت ده شب کارگران شیفت دو این کارخانه تعطیل شدند همه چیز بنظر عادی و طبیعی می‌آمد. کارگران خسته از کار با خشی فرو خورده از اجحافات رژیم روز دیگری راهبری می‌کردند. دست فروشان در کنار کارخانه به فروش میوه‌جات خود مشغول بودند. در همین هنگام و در یک لحظه شادی آفرین تعداد بسیار زیادی اعلامیه که بر علیه جنگ طلبی های رژیم منفور خینی و دفاع از سربازان و

گزارش یک رفیق فدایی: "روز چهارشنبه ششم شهریور در چهارراه عباسی یک پخش وسیع و علنی داشتیم. محل خوبی انتخاب شده بود. اعلامیه "ویرانگری شهرداری" در مورد دکه‌هایی که شهرداری خراب می‌کند بین مردم پخش شد. مردم به محض پخش بسمت آنها هجوم بردند البته برای آن محل متن خوبی انتخاب نشده بود اما استقبال خیلی خوب بود. مردم از شهامت بچه‌ها بسیار تمجید می‌کردند."

بریده یک گزارش:

"به علت پخش وسیع اعلامیه با امضای سازمان فدائیان خلق (اکثریت) در اطراف فلکه چابچی در تاریخ ۲۲ مرداد، کشتیهای رژیم، موتورها و اتومبیلها را در حوالی این فلکه کنترل و بازرسی می‌کردند."

در گزارش یک واحد از تهران از جمله آمده است:

در روزهای بیست و دوم و بیست و سوم مرداد تعداد هزاروپانصد برگ اعلامیه در مورد تحریم انتخابات در خیابان امیری، چهارراه رضایی، میدان آذری، میدان فلاح، جلیلی و... عدد در خیابان کشتارک و میدان کشتارک پخش شد در یک مورد پسر بچه ای که متوجه اعلامیه ما شده بود شروع به پخش آن در میان مردم کرد."

سیاهیان فراری از جیبه‌ها بود، در هوا پخش شد صفحات اعلامیه مثل ستارگانی در دل شب میدرخشیدند و به زمین می‌آمدند. کارگران به اعلامیه‌ها هجوم می‌آوردند و هر کدام یکی را برداشته و مشغول خواندن می‌شدند. چه شوری در دل کارگران ایجاد می‌نمود. واقعا چه انسانهای فدکاری که در اوج تبهکاری و اختناق رژیم چنین با شهامت ندای خود را به گوش کارگران می‌رسانند. در همین هنگام مجدداً بوسیله یکی از کارگران دسته ای اعلامیه که در کناری جمع شده بود، به هوا پرتاب شد، مجدداً التهاب کارگران فزونی گرفت."

بریده گزارش واحدی که عمل پخش فوق را انجام داد:

"در تاریخ هفدهم مهر ماه حوالی

مستحکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان علیه رژیم خائن جمهوری اسلامی
فدائیان خلق (اکثریت)
هواداران

بنیاده از صفحه اول

در روستاهای کشور چه می گذرد؟

مشت نمونه خروار



روستاهای منطقه مغان

روستاهای منطقه مغان در آذربایجان عرصه تاخت و تاز زمین داران بزرگی است که در زمان انقلاب جبهه گریخته بودند و اکنون با پشتیبانی رژیم شاهن جمهوری اسلامی پیروزمندان به منطقه باز می گردند. برخی از کسانی که در یکی دوسه سال اخیر به منطقه بازگشته اند از این قرارند:

— روستای قره داغلو: زمین دار بزرگی که بر بخش مهمی از زمین های این روستا چنگ انداخته است "نجات درگاهی" نام دارد. این فرد در جریان انقلاب، دسته های چاق کشی راه می انداخت و با اسلحه با روستائیان بیخاسته منطقه درگیر می شد. او بعد از انقلاب به ترکیه گریخت و از آنجا به آلمان فدرال رفت. دهقانان زمینهای غصب شده از سوی وی را برین خود تقسیم کردند. بعد از حکم مشت ماده ای خمینی در سال ۱۳۶۱، او با سفارت جمهوری اسلامی در آلمان غربی تماس گرفت و اندکی نگذشت که با عزت و احترام فراوان راهی کشور شد. در منطقه سیاه و کمیته پارس آباد از وی استقبال رسی به عمل آوردند. از او خواسته شد کسانی را که در جریان انقلاب، "امنیت" را از وی سلب کرده و موجب فرار او شده بودند، معرفی کنند تا مجازات شوند. او نیز پیروزمندان با کمک سپاه و کمیته منطقه انتقامجویی خود را آغاز کرد. زمین های مصادره شده را پس گرفت و هنوز نیز خود را طلبکار می داند.

— روستاهای منطقه کلپیر، محال و قره داغ: الله خان محمد خاندلو، فتودال بزرگ این منطقه است. او در زمان رژیم سرتکون شده شاه وکیل امر در مجلس شورای ملی بود و از عوامل و جیره خواران مهم دربار در آذربایجان محسوب می شد. او اخیراً حکمی از منتظری دریافت کرده است تا زمین های مصادره اش را در روستاهای منطقه کلپیر، محال و قره داغ پس بگیرد. او با کمک پاسداران در حال حاضر در تدارک یورش به این روستاهاست.

— روستاهای قشلاق، قره سالی و چند روستای دیگر در منطقه مغان: زمین دار بزرگ این روستاها حاج مفضل محمد حسینی نام دارد. بعد از

برود. ولی مقاومت روستائیان باعث شد که کاری از پیش نبرد. اخیراً نیروهای سرکوبگر رژیم بیش از ۵۰ نفر از دهقانان روستای مرادلو را که بر اثر فشار حکومت حامی فتودالها قصد عبور از مرز و خروج از کشور داشتند، به زندان افکنده است. برخی از آنها تا ۴ ماه در زندان بودند. حاج حسنقلی با این که اکنون خود را مالک شرعی و قانونی زمینهای این روستا می داند، هنوز جرات تصرف اراضی دهقانان مرادلو را پیدا نکرده است. او در تدارک یک یورش تازه به این روستا است.

— ۱۲ روستا در منطقه گرمی: رمضان بیگ فتودال، در زمان رژیم شاه به همراهی پسران و برادر زادگانش خون زحمتکش ۱۲ روستای مهم این منطقه را به شیشه کرده بود. بعد از این که روستائیان زمین های خود را از وی پس گرفتند، او از غصه خودش را کشت. اخیراً ورثه او از دادستانی کل کشور، دفتر خمینی، دفتر منتظری و دادگاه محل احکام متعددی دریافت داشته اند که دهقانان این ۱۲ روستا را ملزم به استرداد این زمینها می سازد. اینان در معیت پاسداران چندین بار به این روستا حمله کرده و بخشی از زمینها را تصرف کرده اند. برخی جوانان روستایی که گول تبلیغات رژیم را خورده و عضو بسیج شده بودند، به دنبال این تجربه برخورد نزدیک با سیاستهای ضد خلقی رژیم، از بسیج استعفا داده اند. مقاومت دهقانان این روستاها همچنان ادامه دارد. پاسداران ارتجاع که از نزدیک شاهد خشم دهقانان علیه ورثه رمضان بیگ فتودال، خاصه در روستای بیوک آقالی لو بوده اند، به صورت اسکورت دائمی آنها درآمده و شبها از منازل آنان حراست می کنند.

— روستاهای دیژ، کندلی و خانباکانندی: بعد از انقلاب روستائیان موفق شدند علی رغم حمایت آخوند زینالی، حاکم شرع هیات ۷ نفره اردبیل از پاشایی فتودال، بخشی از زمینها و نیز خانه



وگوسفندان تحت تملک وی را مصادره کنند. اخیراً دفتر خمینی، دادستانی کل کشور و دادگاه مشکین شهر حکم داده اند که این اقدام غیر شرعی بوده است. خانواده پاشایی تاکنون موفق شده است بخشی از زمینها را با اتکا به این احکام و سرنیزه پاسداران پس بگیرند. آنها آنقدر پشتشان به حمایت رژیم قرص است که خواهان آن گشته اند که دهقانان منافخ حاصل از ۴ سال کشت و کار بر روی این زمینها را نیز تحویل آنان بدهند.

— منطقه پارس آباد: تسوچی یکی از زمین داران عمده منطقه پارس آباد بوده است. بعد از انقلاب ۱۰ باب مغازه و یک باب حیاط متعلق به وی به مساحت ۱۲۰۰ متر مربع مصادره شده و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت. مغازه ها در اختیار کسانی که توانایی مالی خرید مغازه نداشتند و حیاط در اختیار تعاونی رانندگان برای ایجاد کاراژ مسافری قرار گرفت. تسوچی اکنون مرده است، ورثه او موفق شده اند از دادستانی تبریز حکمی مبنی بر غیر شرعی بودن مصادره این املاک بگیرند. فرزندان تسوچی در معیت پاسداران به مغازه داران و تعاونی رانندگان رجوع کرده و خواهان تخلیه سریع این اماکن شده اند. بنیاد مستضعفان نیز طبیعی است که جانب خانواده تسوچی را گرفته است.

بالاخان مولائی و کریم خان پاکیزه، دو تن دیگر از خانهای منطقه پارس آباد محسوب می شوند. کریم خان پاکیزه از جمله عوامل مهم ساواک شاه در این منطقه بوده است. در سال ۱۳۵۸، ۱۸ خانوار بدون مسکن بخشی از زمینهای تحت تصرف این دو زمین دار را در پیروانلو مصادره می کنند. این دو زمین دار چندی پیش از دادستانی کل و دیوان عالی کشور حکم غیر شرعی بودن مصادره این زمینها را دریافت داشتند. آنان با حمایت آزومی، بخشدار وقت پارس آباد که اکنون مسئول اطلاعات در استانداری است، مصادره کنندگان این زمینها را در مشکین شهر به زندان افکندند.

در منطقه باختران

در منطقه باختران باز پس گرفتن زمینهای مصادره از سوی روستائیان، شدت فوق العاده یافته است. طی شهریورماه امسال روستائیان این منطقه شاهد مواد زیر بوده اند:

— خسر و خان فبایدان، از ملاکان مهم کیلانغرب از هیات ۷ نفره منطقه حکم بازپس گرفتن زمینهای مصادره شده

اتحاد - مبارزه - پیروزی

۱۶ آذر به روز مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

دانشجو و اعتراض علیه جمهوری اسلامی است. تلاش کنید تا تعداد هر چه بیشتری از دانشجویان از این مراسم آگاه شوند و در آن شرکت کنند. مراسم سکوت را در یکی از مراکز تجمع طبیعی دانشجویان و در ساعتی مناسب برگزار کنید.

هر گونه مراسم احتمالی رژیم را در این روز تحریم کنید.

اسامی دانشجویان دانشکده‌تان را که در مبارزه علیه رژیم وابسته شاه و رژیم استبدادی و قرون وسطایی - خمینی به شهادت رسیده اند، تهیه کنید و در نقاط مختلف دانشکده نصب کنید. حوادث مهم مبارزات در دانشکده را در دوره‌های گوناگون، یادآوری کنید. دانشجویان باید بدانند در جایی که درس می‌خوانند، چه سنت‌های مبارزاتی وجود داشته است.

اسامی دانشجویان زندانی دانشکده‌تان را منتشر کنید و خواستار آزادی آنان شوید.

در محوطه دانشگاه، تاجایی که می‌توانید به مناسبت ۱۶ آذر، شعار بنویسید.

در روزهای قبل از ۱۶ آذر، تراکتهای سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) و تراکتهایی بامضمون اساسی ترین خواستهای دانشجویان نظیر "هر توطئه‌ای برای کشتن دانشجویان دانشگاه به جنگ را محکوم می‌کنیم"، "دست ساواک خمینی از دانشگاه کوتاه باید گردد"، "جاسوسی انجمن‌های اسلامی و هرگونه مداخله آنها در امور دانشجویان باید پایان یابد"، دانشجویان باید نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند تا از حقوق آنها دفاع نمایند"، "هیچ ارکانی بدون تأیید نماینده واقعی دانشجویان حق اخراج دانشجویان را ندارد" و... را وسیع‌پخش کنید.

اطمینان داشته باشید که مبارزات شما در پیوند با جنبش رو به گسترش توده‌های مردم، سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی رادری پیش رو خواهد داشت.

**باجمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید!**

به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجویی از سوی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر گشت. در این اعلامیه ضمن اشاره به جنایت مزدوران شاه در ۱۶ آذر ۱۳۳۳ که طی آن ۳ تن از دانشجویان بزرگ‌نیا، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده، شریعت رضوی عضو سازمان جوانان توده و فتندهی موادار دکتر مصدق به شهادت رسیدند، آمده است: "پس از این حادثه خونین، ۱۶ آذر دانشجویان مبارز و انقلابی در سیاه‌ترین سالهای دیکتاتوری شاه، علیرغم توطئه‌های ساواک و حملات وحشیانه کماندوهای ارتش، چترپازان و گارد، همه ساله سالگرد آترابریاداشتند".

در ادامه اعلامیه مزبور ضمن بر شمردن سنت‌های درخشان جنبش دانشجویی ایران، خطاب به دانشجویان مبارز و انقلابی آمده است: "سنت‌های اصیل و انقلابی جنبش دانشجویی ایران را پاس بدارید. در جنبش ضد جنگ همراه با توده‌های زحمتکش میهن‌مان فعالانه شرکت کنید، مبارزه خود را علیه رژیم خمینی جنگ افروز و در راه صلح گسترش دهید. نگذارید رژیم فریب و نیرنگ، دانش آموزان و جوانان را به قتلگاه‌های جنگ بفرستد. مبارزات کارگران و زحمتکش‌شان را در دانشگاه منعکس کنید. دانشجویان باید از این مبارزات به موقع مطلع شوند. از آنها بخواهید که از مبارزه مردم حمایت و در آن شرکت کنند".

سازمان جوانان فدایی در ادامه اعلامیه ۱۶ آذر خود به ارائه رهنمودهایی مشخص در ارتباط با برگزاری هر چه شکوهرتر "روز دانشجویی" می‌پردازد. در این زمینه خطاب به دانشجویان مبارزه و انقلابی گفته شده است:

"برای برگزاری این مراسم از جمله می‌توانید: یکی از ساعات مناسب روز شانزدهم آذر را انتخاب کنید و در آن ساعت، اعلام سکوت کنید. این سکوت برای بزرگداشت خاطره شهدای

هزینه چاپ این شماره "اکثریت" را
چند رفیق فدایی از استکهرم
تأمین کردند

بگیرید. دهقانان دست به مقاومت زدند. نیروهای سرکوبگر رژیم ۱۱ نفر از دهقانان را به جرم مقاومت در برابر بازگشت فتودال، به زندان انداختند.

در یکی از روستاهای خرم آباد

کریستان، نام روستایی است از توابع خرم آباد. دهقانان این روستایش از یک نسل است که زمینهای آنرا کشت می‌کنند، بی آنکه سند مالکیتی داشته باشند. سند مالکیت همواره در نزد فرزندان یک فتودال عمده منطقه بوده است. اینان که در زمان رژیم سابق هم نمی‌توانستند این زمینها را تصرف کنند، اخیراً دیده‌اند که اوضاع برای ملاکین از گذشته نیز مساعدتر شده و از همین رو با انکار برسد خود، حکم تصرف زمینهای روستای کریستان را دریافت نموده‌اند. آنان به کمک ایادی سرکوبگر رژیم به روستاهای هجوم بردند، اما آنچنان با مقاومت سرخخانه روستائیان مواجه شدند که فرار را بر قرار ترجیح دادند. آنها اکنون در تدارک یورش دیگری هستند.

در منطقه کوه‌دشت

غلامرضا خان غضنفری، یکی از بزرگ مالکان منطقه کوه‌دشت است. بعد از انقلاب زمینهای وی از سوی دهقانان منطقه (هزار خانوار) مصادره شد. غلامرضا خان، اخیراً حکمی دریافت کرده که در آن حق او بر این زمینها شرعی و قانونی توصیف شده است. او از ژاندارمری منطقه تقاضای کمک برای پس گرفتن زمینهای مصادره شده نموده است. ژاندارمری که می‌داند دهقانان دست به مقاومت خواهند زد، اعلام نموده است که "این کار از دست ما بر نمی‌آید".

در رودس

اسدالله خان یکی از زمین‌داران عمده رودس است که با تخریب قسمتی از جنگل، اراضی وسیعی را به تصرف در آورده است. روستائیان که با ظلم و تعدی او از دیر باز آشنا بوده‌اند، شکایتنامه‌ای علیه او تنظیم کردند که موثر واقع شد و یکی از مقامات رودس حکم بپیگرد او را صادر کرد اما اسدالله‌خان به حمایت مقامات قضایی نه تنها شکایت دهقانان را خنثی ساخت بلکه مقام قضایی مزبور را نیز به جرم این "گستاخی" روانه زندان ساخت.

خود را دریافت نمود.

۷ نفره، زمینهای ورثه پدالاله خان زنگنه در میان دربند باختران را از سی نفر خوش نشینی که این زمینها را مصادره کرده بودند، باز پس گرفته‌اند. به شکایت این روستائیان هیچ اعتنایی نشده است.

آخوند جلیلی، یکی از ملاکان و روحانیون ساواکی اسلام آباد، در تاریخ ۶۴/۶/۷ حکمی خطاب به امام جمعه اسلام آباد از دستگاه قضایی رژیم دریافت نمود. در این حکم از امام جمعه اسلام آباد خواسته شده است به این آخوند در امر وصول اجاره زمینهای تصرف شده وی در "هرمس" از سوی دهقانان یاری رساند. امام جمعه اسلام آباد طبق این امر متاع عده‌ای پاسدار را برای وصول اجاره‌ها کسبل داشته است. آنها با تهدید و ارعاب هر روستایی را مجبور ساخته‌اند که ۹ هزار تومان بابت اجاره بپردازد. "علی شاه رحیمی" از مالکین منطقه ماهیدشت، در اواخر مردادماه امسال با کمک عده‌ای پاسدار مسلح و داشتن حکم دادگاه، زمینهایی را که خوش‌نشینان از وی مصادره کرده بودند، زیر شخم برد. دهقانان دست به مقاومت زدند. مزدوران رژیم و ایادی رحیمی به شدت آنان را مشروب ساخته و زمینهای را تصرف کردند.

در جریان انقلاب، دهقانان روستای ویله واقع در منطقه بیوه‌بیج کرند غرب، زمینهای فتودال منطقه سید عبدالله حیدری را مصادره کردند و در اختیار ۱۱ خانوار که صاحبان حقیقی این زمینها بودند نهادند. در تاریخ ۵ شهریورماه امسال چند تن از عوامل سید عبدالله حیدری به سر دستگی فردی به نام ولی شمشیری، به روستا مراجعه کرده و از دهقانان می‌خواهند که زمینها را پس دهند. مقاومت دهقانان، عوامل خان را فراری می‌دهد. آنها شکوایه‌ای را تنظیم می‌کنند که چند نفر دیگر از ملاکان منطقه زیر آنرا امضای کنند. شکوایه به پاسگاه ژاندارمری داده می‌شود. ژاندارمری دهقانان را فرا می‌خواند و به آنها حکم می‌کند که زمینها را پس دهند. دهقانان امتناع می‌کنند. مقاومت آنان همچنان ادامه دارد.

در یکی از روستاهای روانسر

فردی به اسم اردکانی از ملاکان منطقه روانسر با حکم دادستان باختران که او نیز اردکانی نام دارد و از اقوام نزدیک وی می‌باشد، کوشید زمینهای مصادره شده خود را پس

مصاحبه "اکثریت" با رفیق فرید احمد مزدک دیپول سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان

جوانان افغان، در بیکار برای تحکیم دستاوردهای انقلاب شکوهمند نور

بقیه از صفحه اول

عمل آن، نقش جوانان افغان در مبارزه با اشرار و در نوسازی کشور، چگونگی آموزش در سازمان دموکراتیک جوانان و نقش این سازمان در مبارزه با بیسوادی، نحوه ارتباط سازمان جوانان و حزب دموکراتیک خلق و هم چنین به پرسش در زمینه موقعیت بین المللی س. د. خ. ا. و مناسبات آن با سازمان جوانان فدائی پاسخ گفتند.

رفیق مزدک در پایان مصاحبه خطاب به جوانان ایرانی اظهار داشتند که "ما جوانان انقلابی افغان همیشه با شما هستیم." ما ضمن ابراز سپاس از رفیق مزدک، توجه خوانندگان را به متن کامل پاسخ های ایشان جلب می کنیم.

* * *

از زمانی که حزب دموکراتیک خلق به مثابه پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکش وطن، مبارزه خویش را آغاز کرده است، بیست سال می گذرد. در این بیست سال کار و بیکاری جوانان همیشه استوار و نیرومند در راه تحقق آرمانهای آن رزمیده اند. سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان از همان آغاز کار و فعالیت خویش رهبری س. د. خ. ا. را پذیرفته، اهداف و وظایف خویش را طبق مرام و برنامه عمل آن تنظیم کرده است. ۹ سال قبل حزب ابتکار بسیج و تشکل جوانان وطن پرست کشور را در سازمان ویژه

خودشان در دست گرفت. در آن زمان بیش از ۱ سال از موجودیت س. د. خ. ا. می گذشت. کسب آمادگی برای آینده ضروری بود. بدین منظور باید کار سیاسی و تربیتی با جوانان افزایش می یافت و تقویت جنبش انقلابی جوانان کشور یکی از مسایل ضروری پنداشته میشد. س. د. خ. ا. به مثابه کمک کننده فعال و نیروی ذخیره مطمئن حزب در اجرای وظایف مشخص رشد و استحکام یافته، از یک سازمان چند صد نفری به یک گردان بیش از یکصد و پنجاه هزار نفری تبدیل گردیده است. اکنون وظایف نسل جوان کشور پیش از هر زمان دیگر مهم و حیاتی شمرده میشود. رفیق بیکار کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی در کنفرانس سراسری و پلنوم های کمیته مرکزی حزب سمت های اساسی کار و فعالیت س. د. خ. ا. را جهت بسیج و تربیت وطنپرستانه نسل جوان کشور مشخص کرده اند.

پیوستن به قوای مسلح، شرکت فعال برای بهبود اقتصاد کشور، مبارزه برای محو بیسوادی، کمک جهت آماده سازی زمینه برای محبوبی سرپرستی کودکان، بهبود امور تربیتی پرورشگاه های وطن، تربیت روحیه احساس مسئولیت در محصلان و متعلمان نسبت به آموزش خوب و صد ها مورد دیگر عرصه هایی است که کمیته ها و سازمان های س. د. خ. ا. در آنها وظایف و تلفیق و تنه های شجاع وطن ما هر روز بیشتر از پیش نیرو، خویش را برای تحقق امر حزب و انقلاب بیشتر مینمایند. آنها تا پای جان مبارزه میکنند و در راه آبادی وطن خویش زحمت میکنند. فاضله دختر ۱۷ ساله ای که در نبرد رویاروی با ضد انقلاب به شهادت رسید و تپای جان به امر حزب و مردم خود وفادار بود یکی از این جوانان است. او مانند هر کس، میخواست سالهای زیادی زندگی کند، بزرگی شود و فرزندان داشته باشد. برای او همه چیز فراهم بود اما وقتی که مردمش رنج میبردند و وقتی که در برابر آبادی و شکوفایی و نلش مولود وجود دارد، او مسموم و با ایمان راه نبرد و مبارزه برای اعمار وطن زیبا و آرمائی برای همه را در پیش گرفت و شجاعانه در این راه رزمید.

اعضای س. د. خ. ا. وظایف خویش را برای تحقق آرمانهای س. د. خ. ا. در نبرد مسلحانه علیه ضد انقلاب اجرا نموده و صفوف قوای مسلح دلیر خویش را تکمیل میکنند. بیش از ده هزار عضو بزرگسالان، نسل اجتماعی که در همه آنها کارگران، دهقانان، متعلمان، محصلان و پیشه وران و کارمندان جوان متشکل هستند، به نحو شایسته راهی را که فاضله ها وقف آن شده اند، ادامه میدهند. تنها در ۶ ماه گذشته بیش از یک هزار جوان از جانب کمیته های سازمان ما به قوای قهرمان سرحدی کشور معرفی شده اند. هزاران جوان علیرغم پایان دوره خدمت به قوای مسلح، آمادگی خود را برای ادامه خدمت سربازی اعلام میدارند. اینها همه جواب های لازم به صدای مردم، انقلاب و حزب محبوب ماست.

اسناد کنفرانس سراسری در دهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب، شرکت در بهبود امور اقتصادی را به مثابه یکی از وظایف مبرم انقلاب به

مردم و جوانان مشخص کرده است. کار برای بهبود وضع اقتصادی، به معنی شرکت در تمام پروژه های اقتصادی، برای تثبیت برنامه عمل س. د. خ. ا. کار برای افزایش سطح تولید در تمام موسسات تولیدی است. بدین منظور تقویت جنبش بزرگسالی و سهم فعالانه در مسابقات کار، شرکت در استخراج معادن و امور ساختمانی و همراهی با دهقانان در پیشبرد اصلاحات ارضی و آب از جمله امور است که جوانان در آن شرکت می ورزند. جوانان ما در ساختمان بند بون اسعد آباد شرکت فعالانه داشتند. آنها از همان روزهای نخستین اعمار این پروژه می فهمیدند که مردم نیاز مبرم به برق دارند و انقلاب آماده است این نیاز را رفع کند. نیروی جوانان "کثر" با همین روحیه و مسئولیت در ساختمان پروژه مذکور متشکل شد. همین امسال بیش از هزار محصل و متعلم از موسسات تعلیمی و تحصیلی به موسسات مختلف اقتصادی پیوستند. تمام بزرگسالیان عضو این کمیته بنام دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و محصلان نام گذاری شده بود. سال آینده در تعطیلات ما، تالیفاتی کمیت آنها حتماً بیشتر خواهد شد. شرکت در کارهای داوطلبانه جهت کمک به دهاقین، تلاش بخاطر جمع آوری آخرین دانه های گندم از زمین هتنام در زمین مسلح بالاتر احساس مسئولیت نسبت به امر بزرگ ساختمان وطن و تثبیت برنامه عمل س. د. خ. ا. امیباشد.

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان اخیراً سمت های کار س. د. خ. ا. را در عرصه های فوق الذکر برای حال و آینده روشنتر ساخت.

جوانی اگر بدون آموزش سپری شود، بیهوده است. برای نسل جوان کشور ما سخنان معروف لنین در کنگره سوم کسومول سال ۱۹۲۰ - همیشه چون درفش کار و بیکار عمل می کند که می گفت "بیاموزید - بیاموزید - و بیاموزید". نسل جوان کشور از برکت انقلاب هر روز بیشتر از پیش ملزومات کار و زندگی، تاریخ پر از افتخار وطن ما و نیازهای خلق خویش را می آموزد. مبارزه علیه بیسوادی یکی از بخشهای اساسی آموزش نسل جوان افغانستان را تشکیل میدهد. امروز هزارها جوان بیسواد در شهرها و دهات به فراگیری سواد مشغول هستند.



تنها در کورس های تحت مواظبت کمیته مرکزی س. د. خ. ا. بیش از ۸۰۰۰ بیسواد مشغول آموزش اند.

سیستم نوین تعلیم و تربیت پایه گذاری شده و هر روز استحکام مینماید. در تمام موسسات تعلیمات عالی و مسلکی، آموزش علوم اجتماعی جز برنامه های، درسی گردیده است. محصلان صرف نشر از مسلک و تخصص شان با قوانین رشد اقتصادی - اجتماعی آشنا شده و به فعالیت های مختلف اجتماعی جلب می شوند.

سهم کودکان و نوجوانان در جنبش پیشاهنگی کشور بیشتر شده، امکانات برای تربیت و مواظبت آنها از جانب حزب و دولت افزایش یافته است.

در سالهای انقلاب هزارها طفل وابسته به خانواده ها، زحمتکش در اردوگاه های پیشاهنگی داخل کشور و اتحاد شوروی و دیگر کشورها، سوسیالیستی حضور یافته اند. آنها در این اردوگاهها با شیوه های نوین زندگی - زندگی که حزب ما برای مردم وعده داده و زحمتکش کشور در راه اعمار آن مبارزه میکنند آشنا میگردند. از برکت مواظبت ارگانهای دولتی، همین اکنون در تمام ولایات کشور، خانه های پیشاهنگی وجود دارد. اکنون گسترش جوخه های پیشاهنگی در دهات کشور نیز جریان دارد.

س. د. خ. ا. در جریان انجام همین وظایف است که گسترش یافت و به نفوذ اجتماعی خویش می افزاید. کمیته ها و سازمانهای سازمان جوانان ما فقط و فقط در تحت رهبری سالم حزبی بر امور خویش توانسته آموزش خویش را انجام دهد. حزب س. د. خ. ا. هر دو یک هدف دارند. برنامه عمل حزب برنامه ماست راه ما، راه خدمت به مردم در ساختمان جامعه نوین است. در تمام اسناد حزبی و وظایف س. د. خ. ا. مشخص شده است. برنامه های کار کمیته های ما بر پایه این اسناد تنظیم و اجرا میگردد. کمیته های حزبی همیشه در جلسات خویش، کار با جوانان را مورد بررسی

خمینی جانشین خود را برگزید

دشواری های بی حد و بازم بیشتر می باشد. پس از خمینی در انتظار جمهوری اسلامی است، زمینه ساز اصلی این تصمیم است. همه رویدادها و بویژه رویدادهای ماههای اخیر نشان داد که سرکردگان حکومت حق دارند نگران سرنوشت رژیم پس از مرگ خمینی باشند. مبارزه ای که از پائین آغاز شده است و هر دم شتاب می گیرد، شکاف فزاینده و درمان ناپذیری که در میان حکومتگران وجود دارد، دلیلی برای اطمینان خاطرشان نسبت به آینده باقی نگذاشته است. از این رو لازم بود آنان به ترتیب و بهر قیمت با بهره گیری از تمام نفوذ خمینی، تکلیف آینده اصلی ترین مقام حکومت فقها را تعیین نمایند.

به رغم نیت سرکردگان اصلی حکومت، این انتظار عبثی است که منتظری بتواند مشکلاتی را حل کند که خمینی در حل آن درمانده شده است. رژیم جمهوری اسلامی با این تشبثات نخواهد توانست راهی برای نجات از سقوط محتمل جستجو کند.

بقیه از صفحه اول
علنا ابراز نمی کرده، هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و معاون رئیس مجلس خیرگان جای داشت که از همان آغاز کار این مجلس، در پشتیبانی از منتظری صریحا اعلام موضع کرده بود.

در آغاز کار مجلس خیرگان این نثر اظهار شده بود که تا زمانی که خمینی زنده است، گزینش جانشین او بلاموضوع است. مدافعین این نظر می گفتند انعقاد مجلس خیرگان تنها به این منظور است که برای پس از مرگ خمینی ارکان تصمیم گیرنده برای مقام ولایت فقیه مستقر بوده باشد. اما تصمیمی که در هفته گذشته اعلام شد، حاکی از رد این نظر است و نشان می دهد که سرکردگان اصلی رژیم مصلحت دانستند مسئله جاننشینی خمینی را هر چه زودتر، در حیات خمینی و با کمک باقی مانده نفوذ او در میان حکومتگران حل و فصل کنند. برای دست یازیدن به این اقدام، تشدید بیماری خمینی می تواند یک علت باشد. اما بیگمان هراس از

محبستگی اجرامی نماید. ما با بیش از ۲۲ سازمان جوانان کشورهای دیگر و بخصوص با کسومول لنینی قهرمان، همبستگی رزمجویانه انترناسیونالیستی داریم. سازمان ما برای استحکام مناسبات با سازمانها، جوانان و محصلان کشورهای منطقه بویژه ایران و پاکستان اهمیت زیادی قابل است. در جریان دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو خوشبختانه زمینه امضای پروتکل همکاری با سازمان جوانان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان جوانان توده ایران فراهم گردید. این پروتکل مناسبات ما را برنامه ریزه، کرده و دورتهای روشنتری برای گسترش مناسبات انترناسیونالیستی فیما بین را نشان میدهد. اجازه دهید از طریق نشریه "اکثریت" این یکی از درفش های پر افتخار مبارزه خلق بیاخته و قهرمان ایران، صمیمانه ترین درودها، رفیقانه راه جوانان شجاع ایران که در حال مبارزه برای نجات و شکوفایی کشور ایران هستند، تقدیم نموده و به آنها اطمینان دهم که ما جوانان انقلابی افغان همیشه با شما هستیم.

قرار داده بر چگونگی فعالیت اعضای حزب در س.د.ج. انقارت می کند. بررسی کار کمیته مرکزی س.د.ج. اخیرا توسط دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب و تعیین وظایف آتی کمیته ها و سازمانها، سازمان جوانان شاهد گویای این امر است.

رفیق بربک کارمل در کنفرانس سراسری س.د.ج. گفتند: " هر عضو حزب، کادرا و فعالین آن باید کارها، جوانان را وظیفه مهم و دستور عمده حزبی خود دانسته و باید کمک و پشتیبانی خود را به کمیته های سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان عملا ابراز نمایند". امروز اعضای جوان حزب در کمیته های س.د.ج. دشوارترین امور را عهده دار هستند. آنها اجرا کنندگان سیاست حزب در بین جوانان و کادراهای مورد اعتماد جوانان و پیشاهنگان میباشند. باید خاطر نشان ساخت که اکثریت کمیته های حزبی به شیوه لنینی جهت اجرای سیاست حزب در کار با جوانان می پردازند، ولی مستند هنوز کمیته ها هیچ عملا به رهبری ادار، می پردازند در حالیکه اصل اساسی رهبری سیاسی و مواظبت تشکیل است.

یکی از اشکال موثر کار با جوانان، شرکت مداوم رهبران و کادراهای حزبی در گردهمایی ها، جلسات، سمینارها و پنلوم های س.د.ج. می باشد. تاکنون چندین بار در اینگونه نشست ها رفیق بربک کارمل مثنی عمومی کمیته مرکزی س.د.ج. و رئیس شورای انقلابی س.د.ج. اعضای دفتر سیاسی و مسئولین شعبات کمیته مرکزی حزب شرکت نموده، و کادراها و فعالین ما را کمک و راهنمایی کرده اند.

عده ای از جوانانیکه از طریق س.د.ج. عضویت آزمایشی حزب را کسب میکنند، بکار در سازمان جوانان ادامه میدهند (مطابق اسانامه حزب، جوانان پس از بیست سالگی از طریق س.د.ج. به عضویت حزب پذیرفته میشوند) اکنون لازم است بخش بزرگی از این جوانان آماده ادامه کار در س.د.ج. باشند.

اکنون بیش از ۵۰ درصد پذیرش به حزب از طریق س.د.ج. صورت میگیرد. این رقم در قوای مسلح بیش از ۹۰ درصد است.

سازمان دمکراتیک جوانان در عرصه بین المللی فعال بوده و همراه با اعضای خانواده سازمان های جوانان مترقی جهان، در فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و وظایف خویش را در مبارزه علیه امپریالیسم بخاطر صلح و

نظر می گیرند. کمپانی صادر کننده کالا به محض رسیدن کشتی حامل کالا به بندر تعیین شده در قرارداد، اقدام به نقد کردن اسناد اعتباری خود از بانک رابط می کنند. از این مرحله به بعد جمهوری اسلامی با بانک رابط، طرف قرارداد است. حال خواه کشتی در کناره بندر مذکور مورد حمله قرار گیرد و یا نکیرد، جمهوری اسلامی موظف است تمام پول قرارداد را بانضمام بهره آن به بانک رابط بپردازد، میزان این بهره برای مدت ۱۸۰ روز از ۶ درصد در قبال این ژاپن تا قریب به ۱۰ درصد در قبال دلار آمریکا تفاوت می کند. با این حساب، جمهوری اسلامی همواره با درآمد ارزی محدودتری مواجه می گردد. و بحران حاد بحران های حادثی می زاید.

هر چه که می گذرد پیامد ویرانگر سیاست ضد ملی جمهوری اسلامی در عرصه بازرگانی خارجی (همانند دیگر عرصه ها) بیشتر خود را می نمایاند. سرمایه های ملی و شرکتات کار و رنج مردم میهن به حساب انحصارات غارتگر امپریالیستی ریخته شده و به تاراج داده می شود. میهن ما ویران تر و زندگی مردم مداوم دشوارتر از گذشته می گردد.

نفت از یک سو، و خریدهای کلان چنگ افزار از بازارهای سیاه جهانی از سوی دیگر موجب کاهش شدید درآمد ارزی گردید. در چنین وضعیتی جمهوری اسلامی ناگزیر به اتکا به اعتبارهای بانک های کشورهای امپریالیستی گردید. بر اساس دستور العمل بانک مرکزی ارگان های وارد کننده کالا به کشور، ۱۸۰ روز پس از تحویل کالا های خریداری شده، مبلغ آن را بانضمام بهره آن برای این مدت به کشور صادر کننده پرداخت می نمایند. این نوع پرداخت ها که اصطلاحا اوسانس USANCE نامیده می شود، باعث سود کلان انحصارات می گردد. چرا که بانک های جهانی با حضور در این معاملات، به واسطه واسطه گری مبلغ قابل توجهی به عنوان بهره به جیب می زنند. روال این نوع پرداخت بدین گونه است که پس از کشایش اعتبار در یکی از بانک های داخلی (بانک ملی، صادرات، تجارت، ملت، سپه و بازرگانی)، اقدام به سفارش کالا می شود. در این مرحله یکی از بانک های کشور صادر کننده و یا حتی از دیگر کشورهای امپریالیستی، اعتباری معادل مبلغ قرارداد برای صادر کنندگان کالا در

نگاهی به...
بقیه از صفحه ۲
۱۹۸۵، بالغ بر ۲۰۰۰ میلیون دلار گردد.

از سوی دیگر رژیم مرتجع خمینی، برای بر طرف ساختن نیازهای خود، مجددا پیمان ارتجاعی آر. سی. دی را احیا کرد. احیای این پیمان ارتجاعی ارسال سیل کالا های بنجل کشور ترکیه بر بازارهای کشور را گسترش بخشید. مناسبات "مودت آمیز"، "برادرانه" و "اسلامی" رژیم خمینی با دولت ناتوی ترکیه تا بدان حد پیش رفت که مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی با حکومت ترکیه تنها ۵ سال (یعنی از سال ۵۸ تا ۶۳)، بیش از ۶۰ برابر افزایش یابد و از ۲ میلیارد دلار فراتر رود. (برای دریافت چگونگی مناسبات بازرگانی جمهوری اسلامی و حکومت ناتوی ترکیه به "اکثریت" شماره ۶۲ رجوع شود)

در مقابل مبادلات بازرگانی جمهوری اسلامی با کشور همسایه ما اتحاد شوروی، گرچه بصورت تهاثری است، در این مدت بطور مداوم روبه کاهش نهاده و محدود تر شده است.

قراردادهای ویژه اقتصادی
حمله به کشتی ها و کاهش صدور

نتایج دیدار ژنرال نواز دیدگاه میخائیل گارباچف

"جنگ ستارگان"
مانع توافق درباره خلع سلاح

اما ما واقع بین هستیم و باید صراحتاً بگوییم در این ملاقات موفق نشدیم راه حلی برای مهمترین مسایل مربوط به قطع مسابقه تسلیحاتی بیابیم. خودداری رهبری آمریکا از چشم پوشی از برنامه "جنگ ستارگان" اجازه نداد در ژنو به توافقهای مشخصی درباره خلع سلاح واقعی، و به ویژه مسئله محوری سلاحهای هسته ای و فضایی، دست یابیم. این ملاقات، به کاهش شمار سلاحهای انباشت شده در دو طرف نیانجامید، و مسابقه تسلیحاتی ادامه دارد. این امر، باعث نارضایتی است.

میان اتحاد شوروی و آمریکا همچنان اختلاف نظرهای بزرگی، از جمله در باره پاره ای مسایل اصلی اوضاع بین المللی و رویدادهای مناطق مختلف وجود دارد. اما ما به هیچ وجه نمیخواهیم اهمیت توافقاتی حاصله در ژنورا کمتر از آنچه هست جلوه دهیم. می خواهم مهمترین آنها را برای شما بازگو کنم. در وهله اول، باید از توافق دو جانبه مندرج در بیانیه مشترک نام برد مبنی بر اینکه جنگ هسته ای مرکز نباید درگیر و در آن، هیچ کس پیروز نخواهد شد. این، به منزله تعهد اتحاد شوروی و آمریکا به تنظیم مناسباتشان بر مبنای این حقیقت انکارناپذیر و عدم تلاش برای کسب برتری نظامی است.

ما معتقدیم این توافق حاصله در عالیترین سطح، باید مبنای عملی سیاست خارجی هر دو کشور قرار گیرد. حال که معترفیم جنگ هسته ای بنا به ماهیتش نمی تواند در خدمت تحقق اهداف معقول باشد، باید تلاش برای جلوگیری از چنین جنگی، قطع تولید و آزمایش سلاحهای نابودی جمعی و محور کامل زرادخانه های سلاحهای هسته ای هر چه بیشتر گردد. افتتاح غرصه های جدید مسابقه تسلیحاتی نیز بدین ترتیب بکلی غیر مجاز است. طبیعی است بیانیه مشترک، قرارداد نیست، اما تأکیدی از جانب عالیترین نمایندگان دو کشور است. تأکیدی که تعهدات زیادی به همراه می آورد...

از این رو به درستی می گوییم بطلان کلی ژنومثبت است... طبیعی است اهمیت واقعی همه دستاوردهای مثبتی که درباره آنها در ژنو به توافق رسیدیم، تنها در اعمال بازتاب می یابد.

کافی بسیار شدیدالحن و می توان گفت فوق العاده صریح بود... طرف آمریکایی، در هنگام ملاقات، سرخشانه بر تحقق برنامه "ابتکار دفاعی استراتژیک" خود با فشاری می کرد.

من از رئیس جمهور پرسیدم: آیا رهبری آمریکا جدا گمان می کند ما تحت شرایط تولید و استقرار سلاحهای فضایی آمریکایی، بیتانسیل استراتژیک خود را کاهش داده و به ایالات متحده در تضعیف خودمان یاری خواهیم رساند؟ نباید چنین اندیشید. درست بر عکس، برای برقراری توازن، اتحاد شوروی ناچار است اثربخشی، دقت و توان سلاحهای خود را افزایش دهد تا در صورت لزوم، ماشین الکترونیکی- فضایی "جنگ ستارگان" آمریکایی ها را خنثی سازد.

آیا آمریکایی ها واقعا خوششان می آید به زرادخانه ای که واشنگتن برای فضا طراحی کرده، سلاحهای ما نیز افزوده شود؟ نباید در ایالات متحده این امید را داشته باشند که در فضا صاحب انحصار خواهند بود. چنین طرز فکری، به عبارت ملایم، غیر جدی است.

اما دولت آمریکا هنوز هم نمی تواند در برابر وسوسه آزمودن امکان کسب برتری نظامی مقاومت کند.

اکنون نیز چنین است. به مسابقه تسلیحاتی در فضا دامن می زنند و گمان می کنند ما قادر نخواهیم بود در الکترونیک و کامپیوترها با آنها رقابت کنیم. اما ما، همانگونه که بارها در گذشته چنین کرده ایم، این بار نیز پاسخی خواهیم یافت، پاسخی موثر، با سرعت کافی و به احتمال قوی، از زان تر از برنامه آمریکا، ما این را نیز با صراحت تمام به رئیس جمهور آمریکا گفتیم...

نتایج اصلی ملاقات ژنو را چگونه می توان ارزیابی کرد؟ بدون شک، این ملاقات رویدادی مهم بود. گفتگوی مستقیم، صریح و مشخص، سودمند است. امکان مقایسه دقیق مواضع، سودمند است. مسایل قابل انفجار و حاد بسیاری جمع شده بود که می بایستی جدا بدان پرداخته می شد و از نقطه کور بیرون می آمد...

عوامل، خود را ناچار دید دست به مانور بزنند. در موضعگیریهای دولت آمریکا، تظاهر به صلحدوستی پدیدار گردید. این نشانه ها توسط اعمال ناپدید شد، اما صرف پدیدار شدنشان خیر از تحولاتی می داد.

اوایل امسال، به ابتکار مامیان اتحاد شوروی و آمریکا توافق درباره انجام مذاکراتی حاصل شد، مذاکراتی که کل مجموعه سلاحهای فضایی و هسته ای را در پیوند متقابل شامل شده و هدف آن عبارت است از جلوگیری از آغاز مسابقه تسلیحاتی در فضا و بیابان دادن به آن بر روی زمین. فضای مناسبات شوروی- آمریکا، و تا حدی نیز عملکرد بین المللی ایالات متحده رو به تغییر نهاد، امری که طبعاً در بررسی امکان یک ملاقات سران، می بایستی در نظر گرفته می شد.

بدیهی است باید خاطر نشان کرد در ایالات متحده، نیروهای سیاسی قدرتمندی عمل می کنند که تمام کوش خود را به کار می گیرند تا اگر هم نتوانند چنین ملاقاتی را غیر ممکن سازند، لاف آن را از محتوای تهیه نموده و بی معنا کنند...

اما با این حال، ما تصمیم به ملاقاتی با رئیس جمهور آمریکا گرفتیم. از آن رو چنین کردیم که حق نداشتیم حتی کوچکترین امکان را برای متوقف ساختن تحول خطرناک روند جهانی، بلا استفاده بگذاریم. ما می دانستیم اگر اکنون موفق نشویم گفتگویی مستقیم و صریح انجام دهیم، فردا این کار صد برابر دشوارتر و یا حتی احتمالاً بسیار دیر خواهد بود.

تردید نیست که اختلافات میان ما بسیار بزرگ است. اما در جهان امروز، رو به مقابل و وابستگی متقابل نیز بسیار بزرگ است. حدب اوضاع کنونی، برای عالیترین نمایندگان اتحاد شوروی و ایالات متحده، برای ملل اتحاد شوروی و آمریکا راه دیگری جز فرا گرفتن دانش بزرگ همزیستی باز نگذاشته است...

ما برای "جنگ ستارگان"
پاسخی خواهیم یافت

باید تأکید کرد مذاکرات ژنو،

هفته گذشته میخائیل گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، طی سخنانی در اجلاس شورایی عالی اتحاد شوروی، به نتایج دیدار ژنو از دیدگاه رهبری اتحاد شوروی پرداخت. نظر به اهمیت این سخنرانی، ترجمه بخشهایی از آن را از نظر خوانندگان "اکثرت" می گذرانیم.

* * *

قبل از هر چیز، باید بگوییم راه به سوی مذاکرات ژنو، به دلایل بسیار، طولانی و سخت بود. دولت ریگان، زمانی که اوایل دهه ۸۰ به قدرت رسید، علناً مشی رویارویی را در پیش گرفته و حتی امکان تحول مثبت مناسبات شوروی- آمریکا را رد می کرد. فکر می کنم هنوز هم همه، لفاظی های شدیدالحن ضد شوروی آن سالها و اقدامات "از موضع قدرت" محافظ حاکمه آمریکا را به یاد دارند.

تلاشهای دو جانبه ای که از سالها قبل، برای ایجاد حداقلی از اعتماد در مناسبات انجام گرفته بود، به دست فراموشی سپرده شده و تقریباً همه کانالهای همکاری دو جانبه مسدود گردید. در باره خود تشنج ژدایی، گفته می شد به ضرر منافع ایالات متحده آمریکا است.

دولت آمریکا، کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی را هدف قرار داده و شروع به اجرای برنامه هایی برای مدرن کردن تسلیحات ایالات متحده در غرصه های هسته ای و غیر هسته ای نمود. در اروپای غربی، استقرار موشکهای ضربه اول آمریکایی آغاز شد. موقعیتی به وجود آمد که وجه مشخصه آن، میزان بالایی از ناامنی نظامی- سیاسی و خطرات ناشی از آن بود.

و بالاخره، علاوه بر همه اینها، برنامه "جنگ ستارگان" یا به اصطلاح ابتکار دفاعی استراتژیک را علم کردند...

اتحاد شوروی، مقابله فاطم با مشی آمریکا دایر بر تخریب توازن قوای نظامی- استراتژیک را با ابتکارات همه جانبه صلح، باخویشتن داری و برخورد سازنده به مسائل اصلی صلح و امنیت پیوند داد...

واشنگتن ناچار به مانور شد

واشنگتن تحت تاثیر این

باید ارباد صلح جهانی!

تظاهرات میلیونی علیه پینوشه

پنجشنبه سی ام آبانماه، در سانتیاگو پایتخت شیلی بزرگترین تظاهرات ۱۲ سال اخیر علیه دیکتاتوری پینوشه انجام گرفت. یک میلیون نفر با دادن شعار "شیلی دیکراسی می خواهد" خواستار پایان دادن به حکومت پینوشه گردیدند. دعوت به تظاهرات از سوی "اتحاد دموکراتیک" شیلی انجام گرفته و از پشتیبانی "جنتش دموکراتیک مردمی"، شامل حزب کمونیست و سایر نیروهای چپ، بهره مند بود. تنها سخنران میتینگ سانتیاگو، کابریل والدز وزیر خارجه اسبق شیلی از حزب دموکرات مسیحی بود. در کنار وی، ۶ صندلی خالی به نشانه ۶ رهبر زندانی اتحادیه های کارگری شیلی کنار تریبون قرار داشت.

شش روز پس از این تظاهرات عظیم، رژیم پینوشه پس از یک بازداشت ۶۲ روزه، رودلفوسگل رهبر اتحادیه های کارگری شیلی و دو تن دیگر از رهبران ایوزیسیون را آزاد کرد. سکل بلافاصله پس از آزادی که بنا به حکم دادگاه انجام گرفت، اعلام کرد همچنان برای بازگشت دیکراسی به شیلی، مبارزه خواهد کرد.

پایان خونین یک هواپیما ربایی

در جریان حمله ۴۰ کماندوی مصری به یک هواپیمای ربوده شده شرکت هوایی این کشور در فرودگاه والتا پایتخت مالت، حداقل ۵۷ تن از سرنشینان این هواپیمای مسافری کشته شدند. این یورش، بدنیال بی سرانجام ماندن مذاکرات "میفسود بونیچی" نخست وزیر مالت با هواپیماربایان عرب، انجام پذیرفت. در حالیکه کماندوهای مصری از طریق محفظه بار هواپیما وارد آن می شدند، هواپیماربایان به مقابله پرداختند و طبق اظهارات مقامات مالت، به علت انفجار نارنجک آنها در میان سرنشینان، داخل هواپیما تقریباً بطور کامل دچار حریق شد. هواپیمای مصری، شنبه دوم آذر، حین پرواز از آتن به قاهره ربوده شد. چند گروگان در جریان تیراندازی میان هواپیماربایان و مأمورین امنیتی مصری حاضر در هواپیما به قتل رسیدند و سپس هواپیما در مالت فرود آمد.

سازمان آزادیبخش فلسطین و نیز دولت لیبی که از سوی مصر و آمریکا متهم به دخالت در این ماجرا شده اند، هواپیماربایی را محکوم کرده اند. با این حال، به دستور دولت مبارک، واحدهایی از ارتش مصر در امتداد مرزهای این کشور با لیبی مستقر شدند.

آمریکاسفیرش را از سودان فرخواند

ایالات متحده سفیر خود در سودان را تحت پوشش مشورت درباره "امنیت شهروندان آمریکایی" مقیم این کشور به واشنگتن فرا خواند. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ضمن اعلام این خبر گفت از همه آمریکایی ها خواسته شده است به خارطوم پایتخت سودان نروند. لازم به تذکر است تبلیغات بیرامون به اصطلاح "خطر برای امنیت شهروندان آمریکا" معمولاً از سوی دولت این کشور برای تدارک

روانی تجاوز با اعمال فشار بر یک کشور دیگر مورد استفاده قرار می گیرد. همانگونه که در شماره هفته پیش "اکثریت" گزارش دادیم، اخیراً دولت سودان از ایالات متحده خواست انبار اسلحه خود واقع در بندر پورت سودان را منحل نماید و همچنین اعلام کرد از شرکت در مانورهای مشترک با آمریکا خودداری خواهد نمود.

از سوی دیگر، محمد احمد، سخنگوی "اتحاد نیروهای نجات ملی سودان" پس از مذاکره با "جان گارانگ" رهبر نیروهای مخالف دولت سودان در جنوب این کشور اظهار داشت این نیروها آماده اعزام میاتی به خارطوم برای شرکت در یک کنفرانس ملی در باره آینده نظام دولتی سودان هستند. به گزارش مطبوعات سودان، این کنفرانس باید درباره قانون اساسی جدید کشور و نیز برقراری صلح میان دولت و مخالفان آن در جنوب سودان به بحث بپردازد. در جنوب سودان بر خلاف سایر نقاط کشور که اعراب مسلمان سکونت دارند، قبایل سیامبوست مسیحی و پیرو مذاهب دیترو، خواهان نوعی خودمختاری در چارچوب کشور واحد هستند. در این منطقه پس از سرنگونی نسیری نیز همچنان نبردهای مسلحانه میان نیروهای دولتی و مخالفین ادامه یافته است.

نبرد میان اهل و

حزب سوسیالیست ترقیخواه در بیروت

بیروت پایتخت لبنان بار دیگر شاهد درگیریهای شدید مسلحانه میان شبه نظامیان وابسته به گروههای سیاسی بود. این بار، نبرد میان نیروهای جنبش اهل و حزب سوسیالیست ترقیخواه (به رهبری ولید جنبلاط) در گرفت. طی چهار روز و دو خونریزی ۶۵ نفر کشته و بیش از ۲۰۰ تن مجروح شدند. در روز یکشنبه سوم آذر، میان اهل و حزب سوسیالیست ترقیخواه آتش پس برقرار شد. اما روز بعد، صدای تیراندازیهای پراکنده همچنان از گوشه و کنار بیروت به گوش می رسید. در همان روز، به علت وضع متشنج حاکم بر شهر، دانشگاهها، مدارس و بخشی از مغازه های بیروت بسته ماندند. نییبه بری رهبر اهل و ولید جنبلاط رهبر حزب سوسیالیست ترقیخواه روز دوشنبه برای چندمین بار به منظور بررسی اوضاع ملاقات کردند. یک واحد مشترک ۳۰۰ نفره، متشکل از اعضای اهل و حزب سوسیالیست ترقیخواه، می کوشد از آغاز مجدد درگیریها جلوگیری نماید. قرار است شمارناظرین سوری در بیروت افزایش یابد.

بودجه سال ۱۹۸۶ اتحاد شوروی

تصویب شد

چهارشنبه گذشته شورای عالی اتحاد شوروی طی اجلاس خود در مسکو برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی و بودجه دولتی ۱۹۸۶ را تصویب کرد. در بودجه ۱۹۸۶، افزایش هزینه های رفاهی پیش بینی شده است. حجم بودجه نظامی اتحاد شوروی معادل ۱۶/۰۶۲ میلیارد روبل بوده و دقیقاً برابر با رقم مشابه در بودجه سال جاری است. اما به علت افزایش کل رقم بودجه، سهم هزینه های تسلیحاتی در سال آینده از ۴/۹ درصد به ۴/۶ درصد کاهش یافته است. میخائیل گارباچف دبیر کل کمیته مرکزی حزب

کمونیست اتحاد شوروی، طی سخنانی در اجلاس شورای عالی، ضمن پرداختن به مسایل سیاست خارجی در باره مشی شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی-اجتماعی کشور نیز بیاناتی ایراد نمود (تحلیل رهبر شوروی در باره مذاکرات ژنو در همین شماره آمده است). وی اظهار داشت، گسترش پیشرفت علمی-فنی به عنوان اهم اصل رشد عمقی اقتصاد و افزایش بازدهی تولید، باید بازم نیرومندتر مورد استفاده قرار بگیرد.

پلنوم کمیته مرکزی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان

پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در کابل برگزار شد. ببرک کارمل دبیر کل حزب و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان طی گزارشی به پلنوم اظهار داشت کشور از منکام تشکیل آخرین نشست کمیته مرکزی پیشرفتهای قابل توجهی کرده است. عملیات نیروهای مسلح علیه شد انقلابیون موثرتر شده اند. انتخابات ارگانهای محلی دولتی ادامه دارد. طی شش ماهه نخست سال جاری، تولید صنعتی ۷ درصد بیش از میزان پیش بینی شده در برنامه بوده است.

رهبر افغانستان افزود و تالیف کنونی در اقتصاد عبارت است از شتاب بخشیدن به اصلاحاتی که در جریان است و گسترش کمکهای مادی و فنی به دهقانان کم زمین و میانه حال و نیز تعاونی ها. در گزارش به پلنوم کمیته مرکزی آمده است گسترش پایگاه اجتماعی انقلاب، بدون توجه کافی به لزوم مشارکت قبایل در امور امکان پذیر نیست. گزارش می افزایش این امر، مستلزم در نظر گرفتن منافع و علائق اقتصادی، مذهبی و سنتی قبایل، شرکت دادن دستجات مسلح آنها در دفاع از کشور و احترام به خودمختاری آنهاست.

اخبار کوتاه

* روزنامه ویتنامی "نان دان" نوشت تصویب "قطعنامه کامبوج" در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت فشار نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی صورت گرفته و حاوی همه گونه دروغ در باره کمک انترناسیونالیستی ویتنام به کامبوج است. ویتنام اتهامات تایلند دایر بر ورود داوطلبان ویتنامی به خاک این کشور را رد کرده و تاکید نمود این ارتش تایلند است که علاوه بر پشتیبانی از نیروهای پل پت در جنگ علیه مردم کامبوج، راسانیز اقدام به تجاوز به مرزهای زمینی، آبی و هوایی کامبوج می کند.

* رابرت موگابه نخست وزیر زیمبابوه و رهبر "اتحاد ملی آفریقایی زیمبابوه (زانو)"، و جوشوانگومو، رهبر "اتحاد مردمی آفریقایی زیمبابوه (زابو)"، پنجشنبه گذشته در هزاره پایتخت این کشور دیدار و پیرامون وحدت این دو سازمان سیاسی گفتگو کردند. دو سیاستمدار، گزارشهایی را که توسط کمیته های مرکزی "زانو" و "زابو" تنظیم شده بود، دریافت کردند. بدنیال این ملاقات اعلام شد در آینده کمیته تدارک وحدت دو سازمان تشکیل خواهد شد.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شهادت فدایی پاک باخته و پیر سابقه، محمد رضا غبرائی عضو مشاورهیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان

هم میهنان مبارز!

روزم شد مردمی جمهوری اسلامی، در ادامه ددمنشی‌های پشمارش، دست به جنایت تازه‌ای زده است. فدائی پاک‌باخته و پیر سابقه رفیق محمد رضا غبرائی (رفیق منصور) عضو مشاورهیات سیاسی کمیته مرکزی، و رفیق جهانگیر بهتاجی (رفیق جهان) از کادربلای برجسته سازمان ما و عضو کمیته ایالتی تهران و مسئول انتشارات سازمان همراه عده‌ای از فعالین سایر نیروهای انقلابی توسط رژیم متغور خمینی در مهرماه امسال به جرم اعدام سپرده شدند. دژخیمان حاکم که مخفیانه به این جنایت هولناک دست زده‌اند، حتی از اعلام رسمی خبر شهادت این فرزندان جان باخته خلق امتناع کرده‌اند. در یک سال گذشته، پس از شهادت رفقا قربانعلی مودنی و پوروزنی الدین تابان، و رفیق محمد رضا غبرائی سومین شهید کمیته مرکزی سازمان ما است. رفیق رضا غبرائی در اسفند ماه ۱۳۴۰ ناجوانسردانه به اسارت دژخیمان رژیم خمینی درآمد و زمانی که به جرم اعدام سپرده شد، نزدیک به سه سال و نیم از پایداری او در شکنجه‌گاه‌های اوپین می‌گذشت. هم اکنون نیز تعدادی از رهبران، کادرها و اعضای سازمان ما و سایر نیروهای انقلابی که در چنگال خمینی اسیرند، در خطر اعدام قرار دارند. انقلابی پیر سابقه و سرشناس، رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاورهیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان، که بیش از دو سال زیر شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی بوده، در یک قدمی مرگ قرار گرفته و مدت‌هاست که اطلاع موثقی از وی در دست نیست.

هم میهنان گرامی و مبارز!

رژیم جنایتکار و مرتجع جمهوری اسلامی در راه پاسداری از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و در مسیر گسترش و وابسته‌سازی با امپریالیست‌ها، دست به انتقام گیری و جیمی علیه فدائیان خلق، این مبارزان راستین راه طبقه کارگر و توده‌های رنجبر زده است. هر روز خبر از ترس و غرقه‌ها به خون آنها را به جرم جرم‌های انقلابی و ترقیخواه ایران می‌رسد.

رژیم جنایت پیشه از ارتکاب هیچ جنایتی علیه فرزندان قهرمان خلق روی گردان نیست. این رژیم شریف ترین فرزندان شما را بازداشت می‌کند و پس از وحشیانه ترین شکنجه‌ها، گروه گروه بیکر غرقه به خون آنها را به جرم جرم‌های مرگ می‌بشارد.

مردم زحمتکش و مبارز ایران!

هدف رژیم از این جنایات هولناک آن است که عزم و رزم دلیرانه ما را درهم شکنند و شعله رزم انقلابی ما و فریاد صلح و آزادی و عدالت را در میهن زجر دیده ماخلوبوش سازند. اینهمه کمیته ددمنشان رژیم علیه فدائیان خلق، به خاطر آن است که سازمان ما در برابر این جلادان جنگ طلب آزادی کش و استقلال شکن سر بلند ایستاده است و از منافع مردم زحمتکش و از استقلال و آزادی میهن تا آخرین نفس دفاع می‌کند. جرم رفتاری ما که به جرم‌های اعدام سپرده می‌شوند، این است که حاضر نیستند، شرف و انسانیت را در محراب خون و خیانت این مرتجعین قربانی کنند.

هدف دیگر رژیم از دست زدن به این جنایات این است که انقلابیون خلق را مرعوب سازد و آنان را از ادامه پیکار علیه ظلم و بی‌عدالتی و فساد که سرپای رژیم را در بر گرفته است، باز دارد.

رژیم گمان دارد که با دست زدن به این جنایات می‌تواند مرگ محترم خود را چند صباحی به عقب اندازد. اما راست این است که این پلیدی ما، عزم ما را در ادامه پیکار انقلابی، راسخ تر و شعله تابنده رزم فدائیان خلق را تابنده تر و پویان‌تر و عزمکیت بار این رژیم مغفور را نزدیک تر می‌سازد.

رژیم مرگ خود را در گسترش آگاهی انقلابی و وسیع و تشکل خلق می‌بیند و از این روست که استبداد قرون وسطایی را بر کشور حاکم کرده و انقلابیون را اعدام می‌کند و هر حرکت اعتراضی شما مردم زحمتکش را با خشونت سرکوب می‌نماید.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

با گسترش مبارزات انقلابی تان علیه رژیم جمهوری اسلامی، از تکرار جنایات هولناک رژیم جلوگیری کنید! فریاد اعتراض خود را علیه پیکر، بازداشت و شکنجه و کشتار انقلابیون و میهن پرستان راست سازید! سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سنگر استوار شامست. به فدائیان خلق ایران بپیوندید و سنگر استوار خود را استوارتر سازید. ایمان داشته باشیم که مبارزه متعهد ما روز پیروزی بر ارتجاع و امپریالیسم راننده یک تراشخته و صلح و آزادی و بهروزی را به ارمغان می‌آورد.

رفقا و هم‌زمان!

خبر شهادت رفیق محمد رضا غبرائی و رفیق جهانگیر بهتاجی و سایر رفقای شهیدمان را به اطلاع مردم زحمتکش کشور و تمام بشریت ترقیخواه برسانید! اهداف جنایتکارانه رژیم از این اعدام‌ها و درماتدگی خفت بار آن را در ناپودی رزم انقلابی خلق افشاکنید. زندگی پر افتخار و آرمان‌رهایی بخش این شهید، را هر چه بیشتر به مردم بشناسانید انده شهادت رفقا را پاک‌بایکینه و خمشی فزون تر و با گسترش هر چه بیشتر کارآمدتر فعالیت‌های آگاهانه و سازمان‌گراانه در راه تأمین صلح، آزادی، استقلال و در راه سوسیالیسم که آرمان و هدف مقدس ماست، پاسخ گوید! هیچ نیرویی را یارای شکست و بازداشتن ما نیست! ما پیروزی می‌شویم و هر جرم سرخ‌پوژی خلق را بر ویترانه‌های رژیم جمهوری اسلامی به اعتراض دم می‌آوریم.

گرامی باد خاطره فدایی پاک باخته رفیق محمد رضا غبرائی
گرامی باد خاطره فدایی شهید رفیق جهانگیر بهتاجی
رسانت باد فریاد اعتراض خلق ترور و اختناق، شکنجه و اعدام
پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آبان ماه ۱۳۴۴

پیام به شورای جهانی صلح

۲۲ نوامبر امسال، از بنیان‌گذاری شورای جهانی صلح سی و پنج سال گذشت. طی ۲۵ سالی که از برترتاری نشست افتتاحیه این شورا در ورشو، بر ویترانه‌های جنگ جهانی دوم، می‌گذرد، شورای جهانی صلح با مبارزات پیکر علیه مسابقه تسلیحاتی و برای تحقق اصول همزیستی مسالمت آمیز احترام عمیق در سراسر جهان بر انبخته است. نمایندگان جریان‌های فکری گوناگون و شخصیت‌های برجسته زندگی اجتماعی و سیاسی دهها کشور، در کارشورا و هیات رئیسه آن شرکت دارند. آنچه آنها را به هم پیوند می‌دهد، احساس مسولیت مشترک در قبال مهمترین مسئله بشریت، مسئله حفظ و تحکیم صلح جهانی است. بمناسبت سی و پنجمین سالگرد تاسیس شورای جهانی صلح، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پیامی به عنوان رامتش چاند، راه رئیس شورا فرستاد که به شرح زیر است:

جناب آقای رامتش چاند را دبیر
محترم شورا جهانی صلح

متنبر، و تشنج بین المللی کاهش یابد.
آقای رامتش چاند را راجمند!

متاسفانه اکنون بیش از ۵۰ سال است که کشور ما گرفتار جنگی خانمانسوز است که به تحریک امپریالیسم آمریکاشعله ور شده است. این جنگ قربانیهای بسیار گرفته و فاجعه و بلایای بیشماری برای مردم هر دو کشور بهار آورده است. شمار کشته شدگان و معلولین از هر دو سو به صدها هزار تن رسیده است. بر اثر بمبارانها و موشک پراکنده شهرها و روستاها با خاک یکسان و میلیونها انسان اواره و بی‌خانمان شده‌اند. میزان خسارات مالی به صدها میلیارد دلار بالغ می‌شود.

مردم صلح دوست میهن ما از کشت و کشتار و ادامه جنگ نفرت دارند و خواهان پایان جنگ و برقراری هر چه زودتر صلح هستند "شورای جهانی صلح" با استفاده از همه امکانات در عرصه بین المللی، با تلاش‌ها و کنشهای خود قطعاً می‌تواند در تحقق خواست مردم ما برای قطع جنگ و برقراری صلح نقشی برجسته ایفا کند. تلاش‌های "شورای جهانی صلح" در دفاع از مبارزات صلح خواهانه مردم ایران در راه قطع جنگ برای ما از احترام و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با ابراز تهریکات مجدد، برای "شورای جهانی صلح" و شخص شما موفقیت‌های روزافزونی را آرزو می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با افتخار و احترام سی و پنجمین سالگرد حیات ثمر بخش "شورای جهانی صلح" را که با احساس مسولیت، تلاش همه جانبه و گسترده‌ای را در همه کشورها برای حفظ و تحکیم صلح در سواره ما دنبال می‌کند، شادباش می‌گوئیم.

بشریت که از آغاز قرن کنونی فاجعه دو جنگ بزرگ جهانی و بسیاری جنگ‌های منطقه‌ای را که توسط امپریالیست‌ها شعله ور شده از سر گذرانیده است و هم اکنون نیز در تقاطع مختلف، جهان گرفتار آتش و خون است، خواهان آن است که در آرامش و صلح و امنیت عمومی زندگی سعادت یار خود را بسازد. امروز در مقیاس سراسری هیچ وظیفه‌ای، مهمتر و مقدم تر از دادن پاسخ مثبت به این خواست مقدس بشریت نیست. هر نیرویی در هر نقطه جهان که با ایجاد و دامن زدن نائمه جنگ منطقه‌ای و با با تدارک جنگ سراسری با این آرزوی ستیزه‌مورد نفرت بشریت است.

امروز که محافل جنگ طلب امریکا با تشدید سیاست‌های مداخله گرانه و جنگ افروزانه در تقاطع مختلف جهان و با تدارک و اجرای برنامه جنگ ستارگان و نظامی کردن فضای کیهانی بر تشنج اوضاع جهانی افزوده و حق حیات بشریت را مورد مخاطره جدی قرار داده‌اند، دفاع از صلح جهانی و پیکار علیه جنگ که "شورای جهانی صلح" در این راه تلاش می‌کند، تلاشی مقدس و انسانی و مورد ستایش است.

اگر قدرت نیرومند دفاع از صلح جهانی و تلاشهای انسان دوستانه و صلح خواهانه کشورهای ملل و سازمانهای صلح دوست و در راس آنها اتحاد شوروی وجود نمی‌داشت، امپریالیسم آمریکا اوضاع بین المللی را وخیم تر از امروز می‌نمود. بشریت ترقیخواه آرزو دارد که این تلاشها با نتایج مثبت و به سود تحکیم صلح

AKSARIYAT
NO. 85
MONDAY DEC 2 85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY